

ایا قور بر تو مکر میکنند و دشمنی تو را میخوا
هند خدای تعالی تو را برای کن ظفرو
خدایت را تو را فرزند خواهد داد و قدش
بر تو مبارک است حاجت ورت
و مرادی که داری ایا با یک دست
و بکفتار او میکنی و کفتار او را نباید
و از شخص بند و بار یک اندام و زرد
رنگ این میشی و روز و شب و پنج
شنبه بر تو مبارک و کامران باشد و خبر
گفتی از

خوش از غیب بتو برسد و بهام دل رسی
و امسال از سالها گذشته خوبتر تو خواه
گذشت ایا در نماز کمال میکنی و با تقوی زبانش
تا به بالا گرفتار نه شوی ان شاء الله تعالی
قال یعقوب **قال الله تعالی**
ای خداوند قال بدانکه بعباسم و اندوه
خورده و جور کشیدی و آسیب از چیز برداشتی
حق سبحانی در سعادت بر روی تو
کشید و تو را از همه غمها براندخت که یوسف را

از پنج خبر نمایند و یعقوب خبر یافت و از رفیق
 یوسف در روزی و سعادت بر توبه
 شده بود اکنون بشدت تو را که در پای خیر
 بر تو گشاده گرداند و آفتاب در طالع تو بر آید
 و یوسف بتوبه بازسد و من بعد خوش و خوش
 بود و بکمال محسوس و امانت بخوابد نشست
 و به بخت و فیروزی خواهی رسید و از غیب
 خبر خوش بتو رسد و بر سر رخسارهای کنی
 تا بعد از برسی ان شاء الله تعالی
 قال و غیر

بر تو شمشیر را نمیکند گفت ای سلطان اگر تمام
 عالم بر من شمشیر نزنند نمیتوانند یک سر از من
 کم کنند چهره این رسم عظیم که با خود دارم نگاه کردند
 در میان کلاه او این رسم بود **طالع غم**

۱	۴	۷	۱۰
۲	۵	۸	۱۱
۳	۶	۹	۱۲
۱۳	۱۶	۱۹	۲۲

۱	۴	۷	۱۰
۲	۵	۸	۱۱
۳	۶	۹	۱۲
۱۳	۱۶	۱۹	۲۲

نفع دیگر از جهت زبان بند اگر خواهی زبان مردم

را به بند بید که این معجزه و ارضانه آتش بر کند

دیر و پوار خانہ مرجع پیدا بنوید کہ در جمیع دہان

سَدِّكَرُوا بِنْتِ مَرْثَعَا هَذَا دَعَا

11 100011 1111 1111 1111

بِكْرٌ	وَصَلَا	بِكْرٌ
عَمِي	صَم	عَمِي
صَم	عَمِي	بِكْرٌ

عَمِي
 بِكْرٌ
 عَمِي
 بِكْرٌ

фифинь Луи — ЕЕЛ991

ع ع ع ع فوج دیگر رو بہ کتہ فری

بنا محمد مصطفی و رجبی موعظه میفرمودند که

مخصوص باصورت عجیب ترین و اعلیٰ

[illegible]

رسول را که دید که مردم تمام متفرق شدند بعد از آنکه
خدمت حضرت پیغمبر شد جانب پیغمبر فرمودند که آن
شخص از کی می آید عرض کرد که یا رسول الله از همد
ممکنست برخیزم و آنم که جای پیران مرشد و خیران
از پیش پادشاه پیران و آنم که جانب سرودی فرمود
که چه مطلب داری عرض کرد که یا رسول الله در میان
مان تا خوشه بسیار پیدا شده و پادشاه و پیران
بسیار است و خروج کرده ما سوختن جامع کرده
پادشاه و مرا خدمت شما فرستاده که از پیران
کتاب بید جانب پیغمبر فرمودند که این مربع
به برید و شما پیران با خود نگاه دارید بدعا ببرد
بسیار ضرر شما خواهد رسید و همراه خود نگاه دارید تا
خوشی رفیع خواهد شد و باید در وقت نگاه داشته
این را

۶
این مربع با درود باشد که این مربع بزرگ است جانب
پیغمبر فرمودند که این مربع و اراده خاصیت دارد برای
نظر حقا و مسلطی و در نظر خلق خاص که منع بندگی
و تیم از برای جمیع پادشاهان و رؤسای و بزرگواران
چهارم از برای برکت و زرق پنجم از برای مروت و عفت
ششم از برای حفظ بدن هفتم از برای غم و غم هفتم
از برای هر چه که پیش آید نهم از برای درایت که خواهد
بکند باید که این مربع را با یک پا بپوشد و در بالای آن
غم افشاند بذر نیکو شود و هم از برای محبت خود نگاه
دارد و جمیع قویات او شوند یازدهم از برای ظفر
یافتن جمیع خلایق و از برای سفر رفتن این را
در میان بزرگان سلامت رود و باز آید و مقرر

که در تمنا خوانده و توبه کند راه را میسر و دانه علم بهد

نم: ۱۱۱
عنا

۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱
۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱
۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱
۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱

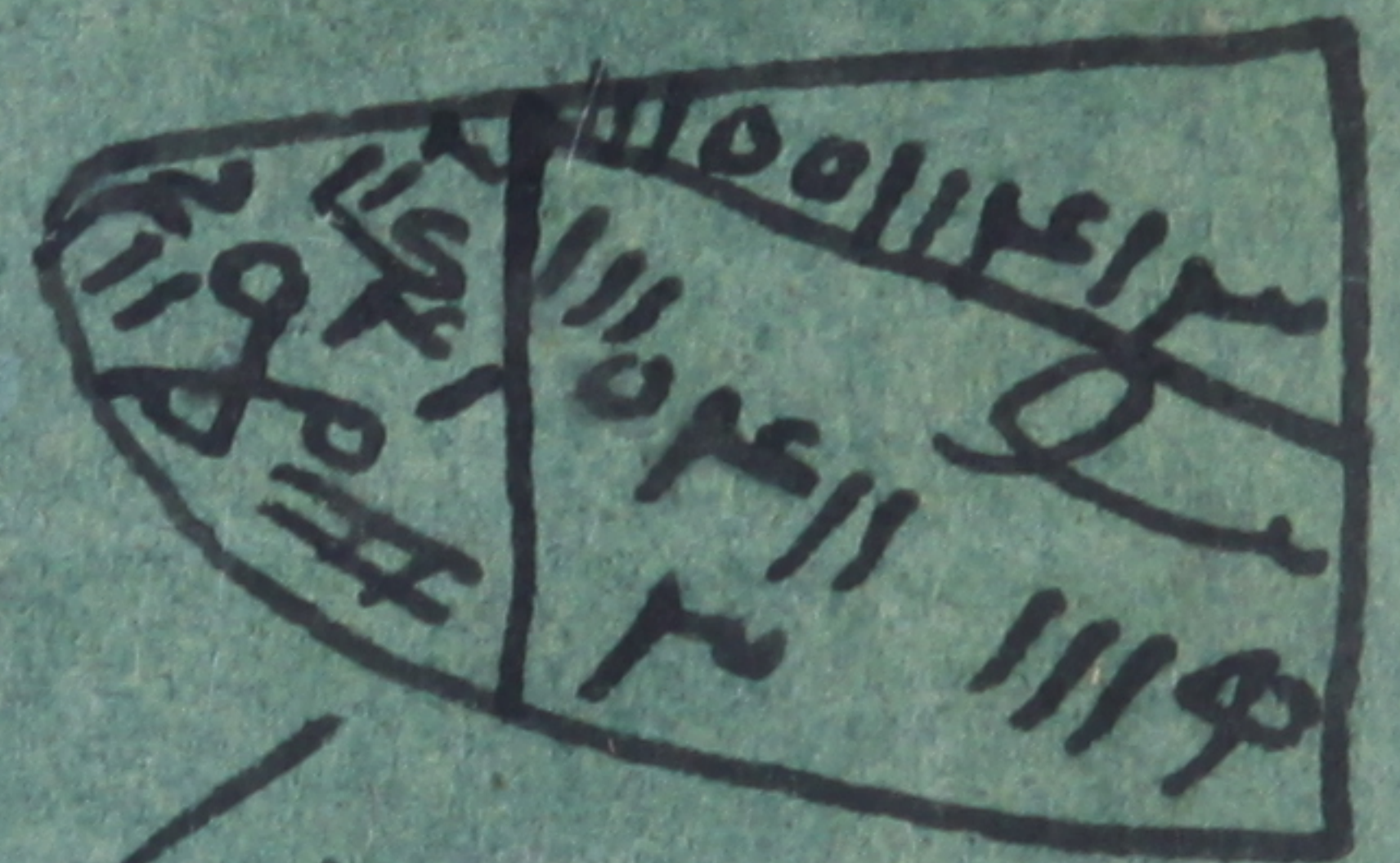
اگر خواهی که گریه را در راه هر پیادری در باید که این
نقش را بنویسد و در پیش بگذارد و در باید در منزل
رسد و سوره مبارکه تسبیح را هفت مرتبه
بخواند نام هر کسی که خواهد در حال شوریده و در میان
باید و باید در وقت خواندن پاک حرف ننهد
بهر روزی

که ضرر بوی میبرد و در وقت نوشتن بوی خوش
دکند و به کرک چراغ بوزاند در حال مطلوبی باید



جهت در و سر در پیشی چراغ و دکند بسیار خوب است

۷	۲	۹
۱	۶	۳
۳	۱۰	۵



اگر کسی را مار با عقر کبک زبده باشد این منظر را بگذارد
در شب بخواند و بعد در حال بفرمان خدا به شود منظر
هنری نیست اگر شک آرد کافر کرد و در وقت

اچند هن اچند لی سوتی سوتی
 کناری پی پی جی پیران نظاره
 باقرها دادی دردی قراوی بنام
 رخصا علی کوف چون فی کفکم الله
 ۱۳۱۳۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹۲۰۲۱۲۲۲۳۲۴۲۵۲۶۲۷۲۸۲۹۳۰۳۱۳۲۳۳۳۴۳۵۳۶۳۷۳۸۳۹۴۰۴۱۴۲۴۳۴۴۴۵۴۶۴۷۴۸۴۹۵۰
 که را کوفه کنی باین طریق بنویسد کوفه را



الطالع الجلال جمال جالینوس وجاماس حکیم

گفته اند که خانه مرغ نیست و گشتی شد و نرسید
 و منقلب شده پادشاهان باشد و شرق آفتاب
 باشد و بیوط زحل است و دنباله زهره باشد و کرم
 خست و فراج وی نه نیست و صفر دارد او را
 سه وجه است و جد اول مرغ و نیم شمس نیم زهره اگر
 وجه مرغ کند مردی بود و بنور وی نیکو خوی و فراج
 سینه و بند چشم و جهان بالا و بار یک صورت
 و بنور گفتار و پیر هیز کار و مردم هست و جهان
 و سخن دان و کیم و هم بهر هست و حلال خار
 و ساز کار باشد و دروغ را هست غار و بهر طبع

ب زود او را به کسوت دارند و خداوندانی
طالع را دولت و نعمت یابد و فرزندانش بسیار باشند
اتا کم بمانند و در پیش بزرگان عزیز و با حرمت باشد و در
ماه نوبه پسند و روی نرسینه نکند چون پیش
بزرگان رود بدست راست نشاند تا حاجتش روا
شود و مانند خانه نفس وی را در برج حمل باقیم چون
نخوابد بکسرت کند و پاسبوی مغرب تا از آفت
خوابد بکسرت کرد و بید پیوسته باطل است بخوابد تا گاهی
بعد از آید و خانه ملک وی را در برج ثور دیدم
پیوسته فراخ روزی بود هر چند که عمر وی بیشتر شود
مان نعمت وی زیاده کرد و از چهار پایان شکافه

او نو نیکو

دلو حوت **هر برج یکدام ستاره نشین**
خاماده

حمل ثور جوزا سرطان اسد
میرخ زهره عطارد شمس مشتری
سنبله میزان عقرب قوس جدی
عطارد زهره میرخ مشتری زحل

دلو حوت **هر برج یکده مسوولیت**
زهره مشتری

حمل ثور جوزا سرطان اسد
شنبه جمعه چهارشنبه دوشنبه یکشنبه
سنبله میزان عقرب قوس جدی
چهارشنبه جمعه شنبه پنجشنبه شنبه

دلو حوت **ایضا هر برجی مغلوبه**
شنبه پنجشنبه **دارد و مسوولیت**

جمل ثور جوزا سلطان اسد سنبل
روز شب روز شب روز شب
میران عقرب قوس جدی دلو حوت
روز شب روز شب روز شب

جمل ثور جوزا سلطان اسد
هند و دم روس بین ترکستان
سنبل میران عقرب قوس
مغرب مشرق جنوب شمال
جدی دلو حوت
ماوراءالنهر خراسان طلمبات
هَذَا كِتَابُ طَالِعِ مَنْ تَصِيفَانِ بِإِسْمِ

اللَّهِ الْخَيْرُ الْحَمْدُ

وچون خواهی طالع کسی بدانی نام کنی
و نام مادرش را بحروف ابجد بخواند
ناید

نماید و شماره بنویسد و بنجدد و
زده دوازده طرح نماید اگر یک باشد
حل باشد و اگر دو ماند ثور باشد و اگر
سه ماند جوزا باشد و اگر چهار ماند
سلطان و اگر پنج ماند اسد و شش سنبل
و هفت میران و هشت عقرب نه قوس
ده جدی یازده دلو و دوازده حوت
و باین قرار بنجدد و بحساب آید و الله اعلم

کتاب طالع نامه مردان
کتاب طالع نامه مردان

بسم الله الرحمن الرحيم

ا ب ج د ه و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ک ل م ن س ع ف ص ق
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
ر ش ت ث خ ذ ظ ض ع لا
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

حل شور حوزا سلطان اسید سید
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
میران عقرب قوس جدی دلو حوت
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

اطلع الخ الی الرجال

موقع دیگر اگر خوراسند باشد چیرنی از جای بجای
بسلامت رود باید این دعا را بنویسد و در میان
بارزند اگر در عالم دشمنی وی باشد ضرر ما و نه توانمند
رشد بفرمان خدای تعالی این از جمله عجاایب است
کتاب و روح صفت بسیار دارد مختصر کردیم تا حال کند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمین شکرًا لِنِعْمَةِ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَقْرَارًا بِرَبُّوبِيَّتِهِ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ نَابِعِظًا
لِعَظَمَةِ بِكْرِيهِمُ الْكَرَامَةِ وَجَمْعِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنَ يَا رَحِيمَ

حباب دازده برج بدین طریق است
 حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله
 آتش خالک آبی آتش خالک
 میزان عقرب قوس جدی دلو
 بادی آبی آتش خالک بادی
 حوت حمل ثور جوزا سرطان
 آبی موش بقر بنگ خرگوش
 اسد سنبله میزان عقرب
 بنگ مار اسب کوسفند
 قوس جدی دلو حوت
 میمون مرغ سگ خوک
 حمل ثور جوزا سرطان اسد
 خر ماده خر ماده خر
 سنبله میزان عقرب قوس جدی
 ماده خر ماده خر ماده

نوع دیگر اگر خواهی که را از عشق خود بفرار کردی
 یا از جا دوری نزدیک آوری این قریش و هفت
 بار بخواند به نیت انگش بر فلفل و مد و فلفل را در
 آتش اندازد اگر سبک شد مبتلا کرد و اگر نیاید
 بنگ و زعفران بخواند و دو کند و در حال بیاد و
 میان زن و شوهر ناسازگاری باشد این قریش و
 روز جمعه بر فلفل سفید بخواند حمل و بکر تبه جان شود
 که لیس و جنون اگر خواهی خاک کسری و به نیت
 پیش از نماز بر فلفل فولاد بخواند بنام کسری خوش
 بسته شود و اگر که در دست طالع مبتلا شد
 خوابد که او سوننه پند این دعا و بخواند
 و بر ران خود و مد که او سوننه پند دعا
 مبارک قریش نیت

هَذَا دُعَاءُ قُرَيْشٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ يَا اللَّهَ يَا اللَّهَ يَا أَحَدُ يَا صَدَدُ
 يَا سَنَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا قَدِيمُ يَا نَاصِرُ
 يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا رَازِقُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
 يَا غَافِرُ الذُّنُوبِ يَا سَائِرَ الْخُيُوبِ
 يَا حَيُّ يَا كَرِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ يَا أَهْلَ الْكَافَّةِ
 ص ۱۱۳ ع ۹۸۵ ع ۶۵۰

نوع دیگر اگر خواهی که سوخته گردانی که از راه
 دور بیاوردی نظر برفت من به بخواند تا ز شام و روز
 انگشت خود

خواندن دعای او عمو باشد دعای جرت بپشت

عَلَى النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَاللَّهُ
 خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ كَرِهْتُمْ زَيْلَانَ فَلَانِ ابْنِ فُلَانِ

و در باره فلان ابن فلان ص ۱۱۳ ع ۹۸۵ ع ۶۵۰

نوع دیگر اگر خواهی میان دو کس عداوت اندازد بر سر
 که شانه چپ که قد و بیاورد و دو چند هم و بر
 شانه بنویسد و شانه خود را زیر سینه گستران
 کند و بالای آن سب قدرش کند و در آن

١١٩

۱۱۹

۱۱۹ ع ۱۳۱۳ ۱۱۳۰ ۱۱۵۵ ۱۱۷۱ ۱۱۹۱

نوع دیگر اگر خواهی بدان و کسی جدائی افکند که نا
فصاحت روی بکند بکمر و نه پندانی آید و بلیغ
در کاغذ به چهار پاره بنویسد و در کاغذ نویسی
یک سر و یک سر و به ماده دهد و هر پاره دیگر و
در سبزه که نه و فن کند چنان جدائی افتد که هرگز
رو بیکدیگر نماند و عاقل هرگز نیست اما با شایسته
نمک از بهر اتمت به خمر اقرار مانی

461130

نوع دیگر برنج سید که بند بر دیوار قندهار است
بسته کرد و این است

طفح طفح طفح طفح

فردیکر بهتره تب لیز میباید که بر چهار بار ۵
جوش بپزند و در روز یک بار و در روز دوم
و گوشت در چهار نفر تمام خدانت لیز میباید
در وقت که دو گوشت بگوید بفرمائید که سر
صاحب در دم بگوید بالیت و در چهار شفا یابد

ہور دز اول طلفنا ۱۵۸۳۷۳۹

روز دهم کلفا قضا ۱۵۸۳۱۳۲

روزیم کِلکُمونا ۶۲۳۶۴

۱۵. نوع دیگر اگر کسی خواهد که در نظر خلایق

عزیز باشد و زبان مردم در بار او بسته گردد
 و بادشاه و حاکم بر درهای آن باشند و اگر خون
 کرده باشد از بادشاه و حکم خلائی خوف داشته
 باشد باید این رسم و با خود نگاه دارد و در
 نظراتش و حکم و خلائی عزیز و مهمان باشد

و این است **هنگام**

بسم الله الرحمن الرحيم
 بِسْمِ اللَّهِ الْأَمَانُ الْأَمَانُ يَا أَلِ اللَّهِ
 الْأَمَانُ يَا حَسْبُ الْأَمَانُ يَا كَرِيمُ لَا
 مَانُ يَا غَفُورُ الْأَمَانُ يَا شَكُورُ لَا
 مَانُ يَا حَنَّانُ الْأَمَانُ يَا مَنَّانُ لَا
 مَانُ يَا جُحَّانُ الْأَمَانُ يَا غَفَّارُ
 لکون

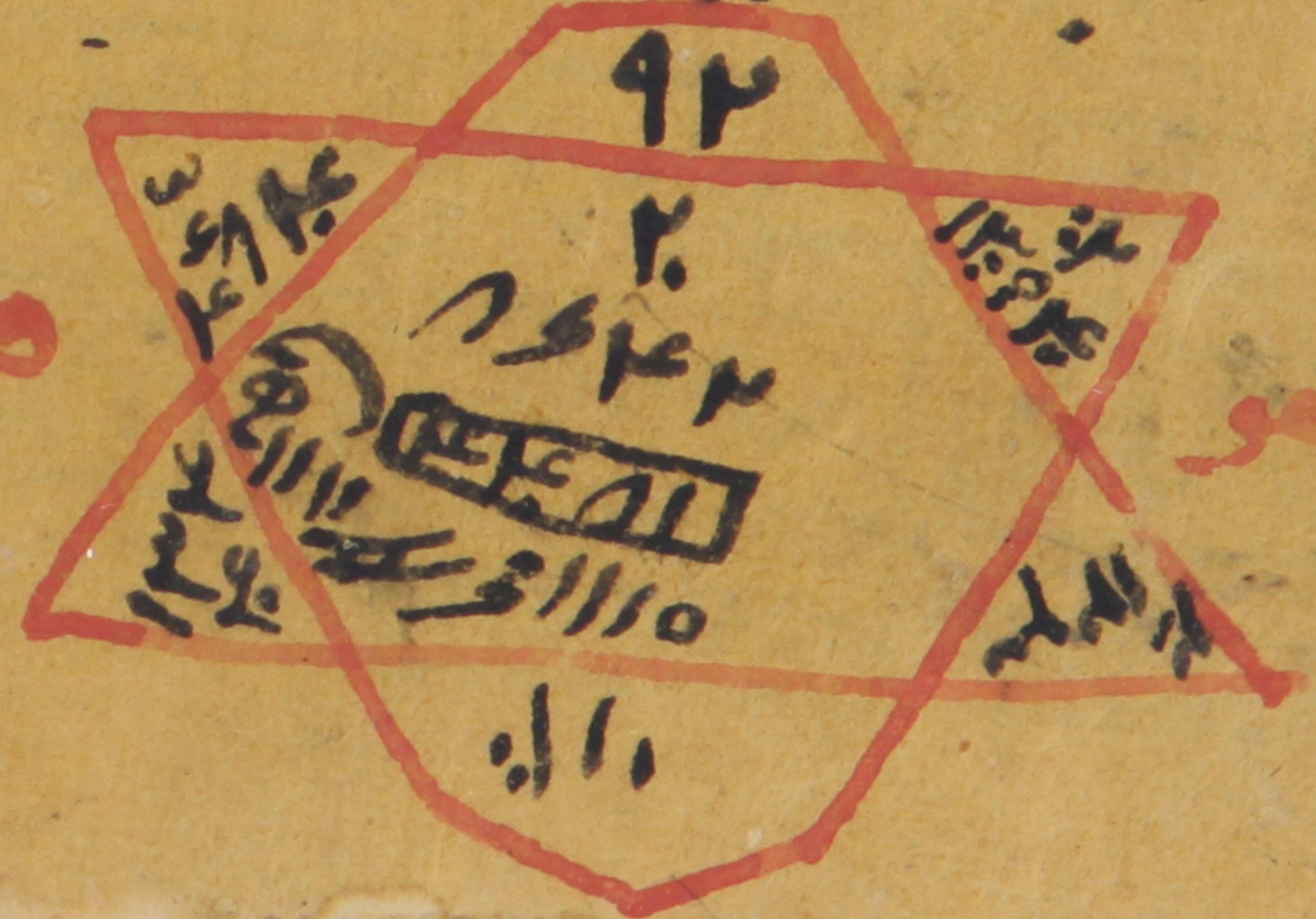
از توجدا شود و باید هر چه و بیکانه می کشد این دیو
 حارزه مرتبه بخواند و دکنه و این برقع در زیر سینه
 کران در رکب از مطوب بکنار و بطنه و مستور شود
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُدًى لِّی
 مَلَکُوتُ كُلِّ شَیْءٍ وَإِلَیْهِ تُجْعَلُونَ
 و پنج بیت

۱۵	۲۴	۲۵	۲۶
۲۴	۲۱	۱۶	۲۴
۲۰	۲۳	۳۴	۱۷
۲۴	۱۸	۱۹	۲۴

نوع دیگر از جهت عداوت که در میان هر کس
 میاید این نقش و برشته که گویند نویسد بنام

منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه
منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه	منه

فوق دیگر از برایت در باز و بند و خود
 بطلو نمایی کند یقین اگر دو این بیت نغور بالله



فی سحر

فنی سحر

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

فنی سحر

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

فنی سحر

روایت است که در کلام بسیار عجیب است اگر کسی
خواهد که ۴ دست خود کند باید که این دعا را
هفت نوبت بر فل سب بخواند و در شش اندازد
اگر صد مرتبه را باشد باید **نوع دیگر** اگر خواهی که
زین که به بنده این دعا و مشک و زعفران
بنویسد و بر درخت نوبت بیاورد زین
انگش بسته کرد و **نوع دیگر** اگر خواهی حاجت بر آید
این دعا و هفت نوبت بخواند و بر مشک و مد
و دو کند انگش دست کرد که اگر یک است
او نه پند و یوانه کرد و **نوع دیگر** اگر خواهی که
هر چند راه رود مانده نشود این دعا و بر در
بنویسد و بر اندام خود بنهد و هر چند راه رود
مانده نشود هر چند راه دور باشد **نوع دیگر** هر کسی
این دعا و بنویسد مشک و زعفران و به مد

در این

جدوده یوعا تقوعا صاعیش
ایلیش و نیش او مشاد و وایه
مطاییل و ماییل کور شاییل المنها
هبا هبا ییل صور و واییل شخاییل
جطاییل و حطاییل شططاییل
روحاییل منطری منطری اه فکد
فکدی ترقاییل زهراییل الهای
تلیثا مثیثا ملوته و کوبه شهر
طرحیا شهر طریل سهل نیاند اما

ولی و ولدی بخت هذه الاسماء
 البركة وكرام الكائناتين والرو
 حائيتين انقض حاجتي يا رب
 العالمين بحسب ما احسن الرحمن

الحمد لله

نوع دیگر اگر خواهی که مرد بسته 4 بخت بدی که
 تمام مرغ سیاه و بیاورد ای طلسم و بر غم مرغ بنویس
 و بخورد ای مرغ و در که بند و بفران خدای تعالی
 کش ده که در شکست و در و نفوذ باد و در و شکست
 بسم الله الرحمن الرحيم ۱: ۵۴ ۸۱ ۸۲

۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱ ۵۳۱
 ۵۳۱

و خداوندای طالع را گشت و غده نفع دارد و کاود
 کو سفند و مکن علی این تا بنویسند اما اینها از نزار
 و از چهار پایشم شکافه زرد و از خوشن بخت
 حد برند بفران خدای تعالی نتواند کند و هر چه
 از خدای تعالی خواهد بدهد و اگر زن خواهد کرد و نیا
 نیازی خواهد نمودند پاک کند که ستره وی طری
 یا هوت باشد تا موافق آید وزن خود را طلاق بدد
 و از پنجه نغان زن خواهد شرکت و پیرا کند و خاطر
 باشد و سفر کردن بر روز سه شنبه و خانه سفرش
 در برج جد یا فتم و سفر بازگشتی در هر جانبی بنویسند
 اما از جانب شرق بنویسند زرد و دروغ نکند ناربان
 بوزند و برکت مالش میگو شود و چون گرفتاری

روز چهارشنبه و خرداد وقت بر در پنجه شنبه و کفاح
کردند بر روز چهارشنبه و خانه نفس دی و برج نور
یافتیم باید که چون بخوابد بسوی مشرق کند و پا
بسوی مغرب تا از آفت خاب بماند کرد و طبع
وی در وقت جایگوش حکیم را بر سریند که
داروی در چرب باشد گفت صید و بید و او پری
زنجبیل قرفل از هر یک مقدار عسل بچون کند و
وقت بهار بخورد تا بهمه در دماغ راناف باشد و اگر
پیش که حاجت رود بدست چرب است حاجت
دی رود اگر دو چرخ ماه نو پند بر وی زن و کفاح کند
تا مبارک باشد و از گشتیری عقیق سار و تا بهمه
کار تا نه بکوشد و اگر ار که صبری ستاند
بدواری باز

جانب بکوشد و در آخر عمر وی زیاده شود
و خانه عملش را در برج جدی دیدم خدمت کرد و نشانی
اما یکبار ^{از بزرگان} آرازی رسد و دل شکست روی دهد لیکن نیست
خبر باشد و اگر بشکیم خالی رسد و بر جانب چپ نشانی
دارد ان نشان بکوشی است فراخ روزی و دراز
عمر و وج بکند و یا کاری کند که ثواب چو در یابد و از
انشای رخ رسیده است یا میرسد و بجز از غلر خوشی از کسی دیگر
شیر خورده است خانه آمدنش در برج دیو یافتیم بدست
که دارد برسد و او را در غم و رخ و همت که باشد و کوه
عاز بکند و در سر بسی و نه در حاجتی که خواهد و او
رو شو و خانه دشمنانش را در برج جوت یافتیم بسیار

باشند اما باید که همیشه وقت دعای زبان بند با خود
ورشته باشد و پی تقوی نباشد تا از کبر و ثبات و بلا
نکته آن ایمنی باشد و از جاده او را رکنی سازد
و از رکنی تا اصل یعنی و از ماه تا ماه محرم و از روز تا روز
سه شنبه سازد و اگر روز جمعه چیرگی از دست افتد
باشد زود رسوا شوند اما جاده پوشیدند و بوی خوش
بکار داشتند و سر تراشیدند و ریش نشانه کردند و حمام
رفتی و صابردست نهادند و روز پنجشنبه و جمعه
بکوس زود و بیدار و ستان رفتی و سفر رفتی و
بنانها و کارهای عروسی کردند و بر رکنی
سازد و بغاضی رفتی و شرکت کردند و وصیت
کردند و پیوند کردند و روز چهارشنبه سازد و بیمار
دی بر

دی پشت از خون و صفرا بود جای سنوس حکیم و جاس
طیب را پرسیدند که داروی وی چه باشد گفتند نقل
و شققل دار چینی و املاح زرد و خولجان و نرغش می باید
که با یکدیگر بگویند و باب لار شیرین در فصل بهار بخورد
تا همه در و آزار مانع باشد و خداوند ای طالع ارحم
و بکن بدیم باشد باید که این تقوی رسوا شود و از تار
شد و شمنان ایمنی باشد لبم الله الی حم الرحیم
یا حیدر الفقراء و یا اندلس الغریاء یا معین
الضعفاء یا عظیم الرجاء یا دلیل المحرین
و یا غیبات المستعینین یا حی یا قیوم یا صانع
یا مانان یا الله یا مسبب الاسباب یا قاهر

بِأَمْقَاتِ الْقُتُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَبِأَخَالِقِ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ بِأَبْدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِأَنْفِ
الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ يَا وَحْدَ الْجَمْعِ وَبِأَخَالِقِ
الْمَاءِ وَالطَّيْنِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّالِعِ النُّوْرِ الرَّحْمَنِ هَرَانِ مَرْدِي كَهْ مَبْدِي طَالِمِ
مَعَارِفِ بَرِيدِ لَيْلِ كَنْدِ كَهْ مَرْدِي بُو دِيكُورِ وَي بَنُورِ
وَارْكَارِ رُوزِ خَنْدِ لَآ غَمِ پِي هُودِهْ بِيَارِ خُورِ
فَرَامُوشِ كَارِ بُو دِيكُورِ بِيَارِ بَدِستِ آوَرِ
وَبَارِ زَارِ دِستِ آوَرِ دَلِ آخِرِ عَمِ كَارِ وَي بِالَا كِيدِ
وَنِيكُوشِ دَلِ كَرِ زَنِ اَوَّلِ عَمِ دَلِ زَنِ دَرِ مَخِ
خَوَابِ آوَرِ دَلِ فَرِ زَنَانِ بِيَارِ بَدِستِ لَآ كَمِ عَابِدِ

وَمِنْ مَوَازِينِ طَوْدِ

اَوْرَانِيكُورِ دَلِ خُورِ دَلِ اَنكِيبِ سَارِ دَلِ زَارِ پِشِ
اَنِيكُورِ دَلِ مَخِ دَلِ اَمَا حَرِ شَبِ زَارِ كُودِ كِي دَرِ غِبتِ
اَفْتِ وَصِيْرَاشِ بُوِي رَسِدِ اَزِ وَجِهِ حَلَالِ وَخَانِهْ پِدَرِ مَوَارِشِ
دَرِ بَرِجِ سَطَرِ نِ يَافْتَمِ قَدِشِ بِيَارِ كَبِ شَدِ وَاوَرِ اَوَعِي
وَمَوَارِ بَرِهْ مَنْدِ بُو دَلِ اَوَرِ اِي حَاجَتِ خُورِ سَهْ بَشَدِ وَخَانِهْ
فَرِ زَنَانِشِ رَاوَرِ بَرِجِ سَطَرِ يَافْتَمِ وَاَكْرِ بُو جِهْ قَرِغِ اَمَدِ بَشَدِ
كَمِ فَرِ زَنَانِ بَشَدِ وَاَكْرِ بُو جِهْ شَمِ اَمَدِ بَشَدِ اَوَرِ اَسَهْ فَرِ زَنَانِ
پِشِ نِ بَشَدِ وَاَرَانِ فَرِ زَنَانِ خُوشُودِ بَشَدِ وَخَانِهْ
رِغِ وَپِيَارِ وَي رَاوَرِ بَرِجِ سَطَرِ يَافْتَمِ اَوَرِ اَبِشْتَرِ
بِيَارِ اَزِ خَرَارِشِ وَخَشِ وَخُونِ بَشَدِ وَصَفَرِ اَوَرِ
شَكْمِ وَاَوَعِي خَافِ بُو دَلِ اَوَرِ دَلِ مَوَارِشِ

که حب الملوك بخورد و اگر شربت بنفشه و عتاب
و سپستان و بنو فر و خرمای هندی و کل شکر یا یکدیگر
بیاورند و صاف کنند و اندک روز بپاشند بخورد و نافع
و خانه نشانی را در برج میزان یافتیم اگر وجه مرغ
دارد و زبانی نیکو بیند و دولت یابد اگر وجه شمس دارد
پنج زن بکند اگر وجه زهره دارد یکی خواهد موافق بود
خانه مرک و زنده گانی وی را در برج عقرب یافتیم او
پیم مرگ در چهل روزگی و چهار سالگی و بارزده سالگی و
چهل پنج سالگی باشد چون از این خط بگذرد و عمرش هشتاد
سال نه ماه و پنج روز برسد و مرگش بدرو سینه باشد
و در وقت باشد و خانه نشانی را در برج قوس یافتیم
چهل سالگی

و بدشواری باز و بدواز پادشاهان رخت رسد و مرگش
بدرو سینه بود و از پس نماز عصر بر وزیک سینه باید
که دایم با نوبه باشد و خداوند این طالع را از رشتن رخ برسد
و با حیدر و بحر از نماز خویش اگر یکدگر شیر خورده باشد و از
روزگار روز پنجشنبه سازد و بیماری غیاطه شد یک
سالگی سینه سالگی اگر از این خط بگذرد و عمر وی
نود و هشت سال و هشت ماه و سه روز باشد و
عبدالله سال کوبید که صاحب این طالع پیدا و تقویر
باشد این تقویر سو با خود دارد و گشت نباید و رد
بسم الله الرحمن الرحیم یا علی العظیم یا
حکیم الکبیر یا یاقی یا عالم الغیوب یا لا اله الا الله

و خانہ سلطان و در سلطان محمد از سلطان دور

منبله و خانه رختش حمل بود بهرامیدی که دارد برسد
و خانه و شمشادش عصب بود بهیم و شمشادش نردی ظفر
نیاید و اگر انباری کند او را زرد و اگر نرزد و
باجت دست چپ بماند حاجتش روا گردد
و چون ماه نوبه پند چشم بر نرینه افکند و اگر حاج
نوبه پوشد رنگینی سازد و از کشتیری فیه و زردی
و خانه نفس وی را در بر جوزا با فقم که چون بخوابد
به سوی مغرب بکند و با بسوی مشرق کند تا از
آفت خولاب بماند و خانه سفرش بخدا رسد
و کرمی نیکو سازد و نعمت بگوید ست می آید
و بیماری وی از صدمه باشد حایسوس حکیم را
پرسیدند که داروی و برضه باشد گفت
باید و بپزد

بپزد و بپزد و امع زرد و مرغ عربی و بر بون چینی
و بخیل و دار چینی و جوزا بوا از هر یک و صفات
با عمل معجون کنند و بوقت بهار خوردن تا بهمه در
نافع باشد و بیماری و مرغی طره باشد و قران وی
یک سالگی و ده سالگی و چهل سالگی باشد چون
از بی خطر بگذرد و عمرش نود و نه ساله و زود و
باشد و جمعه حلال گوید که خداوند ای طالع را
از چشم بدوزان بدیدم بود باید که این تقویر
با خود دارد تا از چشم زخم ایمن کرد و واسطه علم
بسم الله الرحمن الرحیم یا نور النور یا نور
علی نور یا نور مدبر النور یا نور فوق النور

یا نور تحت النور یا نور السموات والأرض
یا هو یا من هو یا لا اله الا انت هذا یحفظ

۸۸۱ م ۱۱۱۱ م ۲۲۲۲ م ۱۱۱۱ م ۱۱۱۱ م ۲۱۶۱۳

الطالع السطان البحال هر از هر روز که بطالع طالع

از کار برآید برج ماه است و طبع و سر و دست
و مختلف باشد و مقام کند در هر برج و روز نیم
آید بر روز شنبه خداوندای طالع مرد و بگوید
و بگوید لا و کندم کس و لطیف کن و جدم و شیرین
سختی و فراق چشم و شیرین کلام و خوش آواز و
بطاعت خدای تعالی مریض بود و به یکی آرامند
باشد و از همه کارها روزی کند بود و پیشتر با هم
سازد و دست

۲۷
سازد و دست فراق بود ازین معنی بخت یابد
و اگر زن اول ببرد و بیمار زن خواهد کرد و لیکن
او را زنی باید که ستاره و عرف بیا هوس باشد
تا موافق بوده باشد و بیماری در از در سینه بود
خدا ترکت او را ایمان توبه کرامت کند و خداوند
ای طالع را از روزها روز سه شنبه از دو جا
خوشی بر درجه و طالع بر روز پنجشنبه کند و
چهارشنبه و سر راهی نازد و بیمار روی بیشتر
از سردی و خشکیست جای نوس حکیم را پسند
که داروی و بر شنبه گفت حیدر و بید و داری
زنجبیل و نقل و عسل و هر کدام و شفا
باعمل معجون کند و بوقت بهار بخورد و ماه

و در آن نافع باشد و خداوند این طالع را زوایا که
که طالع در محل و جزا و سبب و در طالع بود و اگر
پیش کسی رود از برای حاجت بدست راست
بایستد چون ماه نوپنج چشم بر زبان آید و حاجت
رکنی سازد و اگر بر سینه نشانی دارد عزت
و شرف بیاید و اگر بر سر رود روز شنبه نیکو باشد
و خانه سفرش در برج هوت یافتن سفر بوی
مغرب نیکو بود و خانه برادران و دوستان بایستد
باشد از ایشان راحت نه بایستد و خانه پدر
و مادرش مغرب بود از ایشان نیز راحت نه بایستد
و با مردم خوش مزاج باشد و خانه فرزندان
مندان باشد و از فرزندان نرینه خوی پور رسد
و خداوند این طالع را از ریش ریخ رسیده است

و یا میرسد و بجز از کار خوشی اگر کسی دیگر شیر خورده
باشد و خانه بیماری و روقس بود و سیم بود و خانه
زنانش جبره اگر کسی زن شاد پرسند و حق تمام او را
چج روز کند تا کاری کند که برابر چج شد و خانه
استدش نور بده به هر امید که دارد برسد و خانه
محل از برج سلطان و سر را نگریند و خانه او شمشیر
جوزا بده و شمشیر بر در هیچ ظفر نیاید بفرمان الله تعالی
و خداوند این طالع صاحب رحمت بود و خانه
در در برج سرطان یافتن باید که چون خوابد بر
بسی مغرب کند و پاسبور شرق کند تا از آفت
خواب یمنه گردد و چهار روی می طره باشد و قرآن
بیک لکی و چهار لکی و پست پنج لکی چون

پرسیدند که ودای در چه باشد گفت و اچینی و
تفعل و زنجیل و عکک و مروشگر طبرستان آری
تا هر یک هفتاد سال معجون کند و بوقت
بهار بخورد تا ماهی در دماغ راناج باشد و خانه چهار
وی را قوس یافتیم سیم بود و خانه را نشیمن بود
وی را نیک بود و صاحب این طالع مرگش به بالینی
بود و بهر امید که دارد و برسد و شمشیر بسیار شد
اما که بر دشمنی ظفر باید و خانه طالع و اسد
باشد باک طالع ندارد که نان و نمک و سرخوردند
و وفات دارند خداوند این طالع اگر در کس حاجت
و دوست است چنانست تا حاجتش روا گردد
و از سبزه جوده پر نهیز کند که دشمنی جان اوست

و طالع

و طبع وی کرم خشک است و بیماری از دروسینه
به چون ماه نوپند چشم بر زبان افکند تا آن مابیر
وی مبارک آید و چون انبازی کند و در افسار زد
و نفع ندارد و بذکر کری او را نیکو سازد و خداوند
این طالع را از آتش رخ رسیده است و یا برسد و بجز
ارما از خوشی از کس دیگر شیر خورده است و خانه سفرش
در برج حمل بود و او را سفری نباشد شرق سازد و اسفر
صبر بود هر چند بزرگ شود کارش بهتر شود و خانه
نفسی در وی در برج هوت یافتیم باید که چون بخوابد
سر سوی مشرق کند و پاسبوی مغرب را از آفتاب
و بیماری ایمنش کرد و قران و خطروی بیک
وده ساک و هزاره ساک و پنج ساک باشد چون

[illegible]

پیران فردی

هر آن مردی که بطالع سبزه از ماه ربیع آید ستاره
 خاک است و خانه عطارد است و از شوهر غریب تا بد
 و بدو بیچ مقام کند و خداوند این طالع مرد را شوهر
 دوی و شکوخی و شکوفاست و کندم کون و سپاه
 چشم و دندان های آب دار و در همه کارها زیارت
 و فراخ روزی و زنده گانی دارد همیشه دل در شغل زان
 دارد و زوجه ششم کند و زوجه صحیح گیرد و از بزرگروی
 منفعت عیش و خوش بگذرد و نادره هر چه
 از خدای تعالی خواهد بیاید و اگر از زن جدا شود
 چهار رنج کند مگر زنی بود که ستاره ورجدی
 یا ثور باشد تا موافق افتد و از وی غم و رنج داند
 رسد و یکی نسیم زنده گانی کند این که پدر و مادر

باشند در بازو و پا در پهلوی نشانی دارد و او نشان
مختی است و بیماری غلبه از بار شکم بود و خانه سفر
در در برج ثور یافتیم سفرش سوی مغرب نیکو سازد و خانه
خانی در برج سنبل یافتیم در وقت خواب
بوسه مغرب کنند و پاسبوی مشرقی تا از آفت خواب
ایمانی کرد و خانه دوستان و در عقب است ایشان
راحتی پسند و خانه پیشتر و خسته باشند و خانه
دوستان نور باشند از ایشان نیز خذر باید کردند
و خانه اقدش سلطان بود بهر اقد که دارد و سر
در آخر عمر کار و برالا که در خانه سلطان قوس شد
خذر باید کردند و بیماری از روی از روی شکم و صفرا
بیم باشد جای نوس حکیم را رسیدند که در اور
چه باشد گفت و از چینی و فضل و جوی و خولجی
وزیر

وزیر که گمانی و قریب از این تا هر یک و مفتاح
مجون کند و بوقت بهار بخور و تا به در و نارافع
باشد و باید که در حدقه و او را تقصیر کنند و اگر
پیشکسای جبهه بدست چپ باشد تا حاجت
روا کرد و اگر ماه نو پسند چشم بزرگان افکند
و خانه دوستان و برادران وی عرقی او را
دوستان بسیار باشند و او را اتفاق داری و بر
کری نیکو باشد و از چشم پریان و دیوان پیوسته
بیخ آید و باید که نویز با جو و دار و نار بهیلا
ایمن باشد و قران و خاطر وی بیکس بوقت
ساک و پانزده سال و پست و پنج سال باشد
چون از این تا یک روز و عمر وی نو و پنج سال و پنج
روز باشد عید الله هلال گوید که خداوند این

طلع را از چشم بد و بر لب بد بزم بجه باید که بی تقویر
 نباشد تا از شر دشمنان ایمنی گزید و این دعا را بخواند
 بگوید و در اول بسم الله الرحمن الرحیم
 یا احسان یا ممان یا دیان یا برهان یا
 سبحان یا سلطان یا حسی یا قیوم
 یا اهب یا شهید یا دژ و المجدل و الاکرام

بطاسم اربعة اعمس لا بعد

الطالع الميزان الرجال هراڻ مدرکه بطالع
ميزان باشد خانه زهره است از آسمان ستم نابد
و بیج ماه است و طبع وی کرم باشد ته وجه دارد
قدر زهره و رخل هراڻ مدرکه بدین طالع باشد مدرکه
بود نیکو روی و نیکو خوی و نیکو بالا و نیکو جنت
و نیکو هست خسته حلال بر روی کرد آید و اگر

ارفعه

از خرام چیرنی بخور و حلال وی برود و بر باید دروغ
نگوید تا نعت دی را خدای تعالی زیاده کرده اند
از مردمان روزی منکر و اندوی را برادران و
رسول خدا را در خواب بیند و همه از آن سبب کار
او بالا گیرد و لا باید پاک کند تا خدای تعالی و پیرا
برگزینند و بجز از کار خویش از کسی دیگر شیر خو
ر دهت و از آتش بوی رنج رسیده باشد و یا برسد
و ازین جهان نروند تا چیرنی از آن حاکم شود که
که بر ابرج باشد پس آن کار کاروی باشد و برینه
یا بر هفت تنی دارد یا خالی دارد و او نشانی بک
مختی شد و صاحب این طالع را خدای تعالی روزی
روز نماز و آدینه و شنبه و زوگشت غلّه
نیکو سازد و ماه محرم وی را مبارک کند و از زبان

دی را شادی رسد و فرزندان بسیار باشند اما کم بمانند
چون پیش کسی بجایست رود بدست چلبایند
نامراد حاصل شود از کار و امان پرهیز کند در آخر
عمر کار او بالا گیرد و بیکو شود و مادر و پدر بر وی مهربان
باشند و او را دوستان بسیار باشند و بیماری او از خوا
دار خون باشد و سوس حکیم را پیر میدانند که وای دی
چرا شد گفت هلیله و بلیده و کل سرخ و جویزند و
زنجبیل و دارچینی و فلفل از هر کدام و مقدار عمل
مجنون کند و بوقت صبح بخورد و تا بهم در دماغ باشد
و چون ماه نوبه بیند چشم بر مردان افکند و از در
بشت و میان و در و سیرال و خانه خوابی در
بیج جویا فاقم چون بخوابد سوی مشرق کند
و پاسبوی مغرب تا از آفت خواب ایمن گردد
و سفر نشی

۳۳
و سفر نشی سوی مغرب نیکو سازد و بیماری وی فطره
باشد و قرآن عمر و هر یک که دود سکنجید پخت
سکنجید باشد و چون ازین خطر بگذرد عمرش بنود سال
برسد عبد الله هلال گوید که خلاوند ای طالع لی یوز
نباشد این صوفی را با خود نهاد و اردن از شر دشمنان
ایمن کرد و واسعه علم بهم الله الی حمیم
یا الله یا الله یا الله و من الله ولا
غالب الا الله محمد رسول الله الفی
بالیهما مولهما بالاله الا انت یا
یا قیوم یا صراطه حفظ احد یصدع
الی صبح الطالع العقب لرجال
هر آن که بطالع عقب از مار برآید خانه

میخیزد و از آسمان پنجم تا بدویج ماه است و آبی
و اورا در وجه است و وجه برج و آفتاب در هر مقام کند
و در هر برج چهار روز سپردن آید بر روز شنبه هر آن
مردی که بدین طالع باشد مردی بود نیکو روی و نیکو
خوی و نیکو بالا و سفید اندام و باریک لب و خندان
بسی بود و همیشه خود را در اندیشه دارد و خوشی را
از همه کس بهتر شمرد و عاشق دل بود خواسته و مال
بسیار جمع کند اقامت ندارد و از مردم روزی نمید
بخشد و در چشم مردمان عزیز و شیرینی باشد و زنده گاه
خوش کند و با خرم کار را و بالا گیرد و بزرگ بخت
بود و در دستش نی دارد و او نشان نیک بختی است
زود خشم گیرد و زود آشتی کند و از دشمنان
بید و طلب راحت دارد و خون بدست آید چنانکه

دی اربع

دی را هم سپرد باید که کارهای خیر کند تا قیام او را
از همه بلاها ایمن گرداند و چنان پیش بخت و د
بدست است و سبب است تا جانش رو گردد و چون مانع
چشم بر زنان مانع ما بروی مبارک باشد و خداوند
این طالع را در دهن زود و پاک طالع طین بخت
و خانه پدر و مادرش محل بود مردی مهربان باشد
اقا از خانه ایشان بی روزی باشد و خانه فرزندان
حوت باشد و او فرزند کمتر باشد و بیمار روی غلبه
در خون و صفر باشد باید که ایمان خون گیرد اندر وقت
بهار و اگر از زن اول جدا شود زن در غم دارد
و مرگ می در غمت بود و بیشتر از درد و غم
بناید و سفر موی مغرب است از زود خانه خاک

در بهج عقرب یاقم چون خواب کند بسوی مغرب
و پاسبوی مشرق ناز آفت خواب ایمنش کرد
و چون پیش کسی حاجت رود و بدست صعب بایستد
تا حاجتش واکرد و اگر ماه نوبه پنجاهم بر زنان
افتند و پیش ایشان راحت چند و بهرامیدی که واکرد
برسد و از دشمنش خدرا بید کردند و از روزی روزی
و شنبه سزد و چهار روز از بهار بود و از صفر بود و از
جانیوس حکیم پرسیدند که داروی وی چنانست که گفت
حایده و بید و امد و شکر و طبرستان و زنجبیل
و دارچینی و فلفل و جوز هندی از هر کدام هشت
بعل سجون کند و بوقت بهار بخورد تا ماه اردو
تا رافع باشد و قران وی بیک کوی و سکی
و ده سکه و شش توده سکی باشد چون از بی بگذرد
نکته و دوی

عمرش بود و شیش سال باشد و عجله هلال گوید که
خداوند این طالع از چشم بد و زین بدیم بود باید
که این مقویتر ۴ با حق تعالی دارد و تا از شر دشمنان
بسم الله الرحمن الرحیم یا عذری یا عذری
یا ذا العرش الحیدر فعال لما یرید یا نور
السموات و الارض یا اله الا انت
سبحون و علیک الله عصبی
ها اءا اءا عم الله خیر حفظا و هو اءا اءا
الطالع القوس الجمال هر آن مردی که
بطالع قوس از مار ریز آید خانه شش و از
آسمان هشتم تا بد و بهج از مغرب نماند و از شش
و او راسته و جهت قمر در صل و عطارد مقام کند

دور هر چه يك انيم پيرون آيد بر پنج شنبه و
از ماه ماه صفر و رمضان و از روزها روز شنبه سازد
و خداوند اين طالع بگو مردی نيكو روی و نيكو خويشگو
بالا و سفيد اندام و خرم پيشانی و فراخ چشم و
نرم سخن و بكارهای خيره كوشش نمايد و غريب بار
گند و جوانی كاروی نيكو شود و با خرم بزرگی و
شرق يابد و مال که دارد بعضی از حلال و بعضی
از حرام اما بايد حرام را از حلال جدا کند تا كار
وی نيكو شود و پيغمبر را در خواب بيند بايد که پاک
نگوید و اگر گوید با اهل صلاح تا بروی مبارك باشد
و خداوند اين طالع راست قول بگو و نيك سخن و
باریکه سين و پیوسته و رانده باشد و دست
در بازو دارد و او تن نيك سخن باشد و اگر
دور است

۳۶
وی را دوست و برادران باشند نيك باشند چنان
او وزن او خصوصت کند و اگر زن و انبیا خواهد
کردند با کسی کند که ستاره وی حمل يابد باشد و ديگر
ستاره با وی ن زد و اگر نزد کسی بجاست بود
بدست راست يابد و اگر ماه نوبه بيند چشم بر
زبان آید و وی را انگشتری فروزه سازد خانه
پدر و مادرش هوش بگو بروی مهربان باشند
اما از خانه اين ن پيرون آيد و بهج منفعت نهند
و خانه آيد وی نور بود بهرامیدی که دارد برسد
خانه سفر وی جوزا بگو سفر کردنش بوی مهرب
بهتر باشد تا مالش بدست آيد و خانه فرزندان
وی حمل بود فرزندان پشت تر نينه باشد و خانه زن

وی جوزا به ارادت زبان بفرستد و خانه و حمام
 عقب به و شمشیر وی ضعیف بود و بر همه دشمنان
 کند و خانه سلطان بنده بود و یک سال بدید که
 وی را نیکو سازد و خداوند این طالع را از آتش ریخ
 رسیده است بهر دو وجه از مادرش از یک دیگر شیر
 خورده است و خانه خواب وی در بیچ قوس افتد چون
 خواب به سوی مغرب کند و پابوی مشرق تا از
 رفت خواب این رخ کرد و خانه بهاری وی منیر الگو
 پشته از غنچه و صفا باشد از آتش حذر باید کردند
 چندی پس حکیم را پرسیدند که داروی و چه باشد گفت
 حلیه و بلبله و طباشیر و کشنیز و قرقر و دار حلیه
 و جوزندی از هر کدام و شفا علی بنحو کنند
 و وقت چهار

و وقت چهار بخور و ماهی و روغن را نفع باشد و از بیمار
 می طره باشد و قران وی بیک الی و پست لکی و پنبه
 سکه باشد چون ازین قران بگذرد و عمرش شود و هفتاد
 سال هفتاد و هفت و زیاده باشد عیال کوی که
 صاحب این طالع پی تویر نباید بود و ندوای تویر می
 وقت با محو خانه دارد و از شر دشمنان ایمن گردد
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ يَا مُجِیْدُ يَا وَدُّدُ
 يَا رُفُّقُ يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِیْدُ قَالُ الْمَلَا
 یُوْبِكُ يَا نُورُ مَا تَحْتَ النُّوْرِ يَا نُورُ رُفُّوْ
 النُّوْرِ يَا نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ
 يَا طَعُوْنَ يَا طُوْطِیَا يَا اَهْبَا سِرِّ اَهْبَا

المطلع الجديد على آجال هران مروی که
بطلع جدی از مدار برآید خانه زهلی است از
رسمان هفتم تا بد و بیج خاکیت و او سو
سه و صهرت مشتری شمس و زحل از سوی غرب
هران مروی که بدین طالع باشد مردی بسیار
و بنو خلق و فیض زبان اقا بفرمان که کار نکند
و همیشه در اندیشه بود بر همت و فراخ روی
خود را از آسمان دارد و صاحب این طالع بنیم
دارد و یکای زبانی استوار بود و از همه
کارها روز میزند بودی را کنت و غده خوب
باشد و مرد چشم زن باشد و هیچ سخن در دل
نار و دهشت و دشمن خود را نداند زیرا
که کرم طالع

۳۸
که کرم طالع بود و جرات بدست وی سیده است
و یا میرسد و هر زن برای وی دروغ بسیار گویند
اما خدا تعالی محافظت کند و خدا تعالی ویرا حج
روزی کند و یا کاری کند که ثواب حج دریا بد
و اگر پیش کسی حاجت رود بدست جیب میزند
و چون ماه نوبه پنجم چشم بزرگان افکند تا آن ماه
بروی مبارک باشد و از روز شنبه و شنبه
سازد و نکاح کردن بر روز پنجشنبه سازد و روز شنبه
ویرا هیچ کار زن رود و از بکارهای طره خون و صفا
و فیض باشد جابینوس حکیم و پیرمندان که دارو
دی چه باشد گفت طبا شیر و پید و پید
و فاقه و دارچینی و زنجبیل و جوز هندی از کجا

هر کدام و شفق با غل معجون کند و بوقت بهار
بجور و تا همه در و دریا نافع باشد و خانه سفر
سند باشد سفر کردند جانب مغرب نیکو باشد
و خاصه مال بسیار و خانه بهر اوردان و در
حوت باشد بروی شفق باشد و خانه فرزندان
نور بود پیشتره خیر باشد و خانه بهار و دیو
بود بسیار آرا کرد اما مستجاب باشد و خانه
زنا نشی محل بود زن در کج و دارد و از آن
و امیران خد باید کردند و هر احتیاجی که بدین
دارد بدشواری بر آید و نفاق داری و بزرگی
نیکو سازد و خانه خواب می در بر جگه یافتیم
چون خوابد روی مشرق کند و پوی معبر
نارافز و ناز

از آفت خواب ای می گردد و از بیاری می طره باشد
و قران وی بیک سال و چهار سال و هشت سال باشد
چون از وی بگذرد عرش نود سال باشد و بعد از آن
که خداوند ای طالع را به تعویذ باشد باید ای تعویذ
با خود دارد تا از شر دشمنان ای می گردد و بسم الله الرحمن الرحیم
الح اعج ع یا اهیّا شرامیا سرح قدس ربنا و رب
و رب الملائکة و الروح الطالع **دلو الوجدان**
هر ان مردی که بطالع دلو از مادر بر آید خانه رخل است
و از آسمان هفتم تا به و برج فاده است و مقام کند
در هر برج و سال نیم بیرون آید و روز شنبه خداوند ای
ای طالع مردی بود بالا بلند و هوادار و راست گوکار

باشد و مردمان را مانده بود زود خشم گیرد و زود
صلح کند و مردی طرّار بود و بخت دار بود و شخم بد
از کسی برنگیرد و از اول عمر چشم ایشان حفر کرد
و چون چهل سال شود کار وی بالا گیرد و مرد بیغم و بی
اندیشه بود پاندوه بود هر چه از خدا بخواهد بیايد
و همه کارها آراسته باشد و صاحب تدبیر باشد
و باید که پادشاه باشد تا از بلاهای ایمن باشد و او را
از میراث چیزی رسیده است و یا میرسد و بی بخت
یا بر پهلوی یا سینه نشان دارد و او نشان نیت
بخشی باشد و از روزها روز نشیند زود و خرد و خرد
کردن بروز نشیند از روی کردن بروز آید نیکو بود

و چهار

و چهارشنبه ویرا هیچ کار نشاند و اگر کسی حاجت دارد
بدست راست بایستد و چون ماه نو به بیند چشم
بر مردان افکند و بیماری وی مخافه بود و از درد
دل و در دین و در دین و خون بود جالینوس حکیم
پرسیدند که داروی وی چه باشد گفت بیل و بیل
و صغ و عی و در ریحی و ریحیل و جزر هندی و فلفل
از هر یک دو مثقال با عسل بخور کند و بوقت
بهار بخورد تا به بهار در دهان نافع باشد و فرزندان
وی نرینه باشند و از صدقه چیزی در دل گرفته باشند
و نداده است به بهار و خانه سفرش در برج حمل یافت
چون سفر کند به سفر کند و خوانه خواب وی

و توان گرود و توان گروی از تو به بود که کرده است
و حرام و در هیچ کفایت و بران نزد در باز و یا کردن
نشان دارد و ان نشان است و خانه عاقلی
در هیچ محل یافت در آخر عمر وی میراث نیکی بود
و خوانه برادران و خواهران نیکو بود و خوانه پدر مادرش
چرا بود نزد پدر و مادر و خیر باشد و خوانه فرزندان
در هیچ سرطان بود بیشتر نریخته باشند بیماری وی
اغلب از درد شکم بود جای نوس حکیم بر رسیدند که داروی
چه باشد گفت سکونیه و بخیل و در اجتناب و طفل و جوز
هنر از هر یک در انتقال با عمل معجون کنند و وقت
بهار بخورد تا ماهی دردها را نافع باشد و خوانه

سند

سند بود و زن در طالع دارد و از هر زن نیکوی
پند و خانه مرکب وی در هیچ میراث یافتن قرآن
وی بد و سگی و پست لکمی باشد چون ازین قرآن
بگذرد عمر وی بنود سر رسد و خانه سفر وی
سند بود سعد پسند و با نفع باز آید و خانه
سلطان قوس بود وی را نیکوی سازد و قول
وی را قبول کند و خانه همتان جدی بود
او را همتان بسیار باشند او را همت دارند
و خانه دوست همتان دلو بود بسیار باشند و هر
چند کنند بر وی ظفر نیابند و خداوند این
طالع را از جامه ناسفید و از روزگار پور بخشید

ساز وازمان ماه زیج و چون ماه نوبه پندشتم
بدختر نوبالغ نه بیدار و چون پیش بزرگان
رو بدست چپ بست تا کارش ببرد
و خانه خوابی در برج هوت یافتم چون
نخوابد سر سوی مغرب کند و پاسبوی مشرق نا
از آفت خواب ایست کرد و عبدالله حلال گوید
که صاحب این طالع به تقویر نباشد باید که این
تقویر سو با نه نگاه دارد تا از شر دشمنان بگریزد
بسم الله الرحمن الرحیم
بَارِئُكَ يَا عَطُوفُ بِحَقِّ آدَمَ صَلَّيَ اللَّهُ
وَبِحَقِّ نُوحٍ غِيَاثِ اللَّهِ وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ
وَبِحَقِّ مُوسَى

۴۳
وَبِحَقِّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ وَبِحَقِّ عِيسَى
رُوحِ اللَّهِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
۴۴ ر ص ۱۲ ط ۸ ط ۱۱ ع ۱۱ ص ۱

بسم الله الرحمن الرحیم
هَذَا كِتَابُ طَالِعِ مَارِثَانِ

بسم الله الرحمن الرحیم
چون خواهی که طالع کسی را بدانی نام کن
و نام مادرش را بجا بصره و با جمل
نماید و شش و نه بنویسد و بنجد و در
روزه دوازده طرح کند اگر یک طالع در کار باشد

طالع زهره
 زهره
 خالی
 غمزه
 لم
 شب
 روز

هذا الفاحم

بسم الله الرحمن الرحيم

اب ج د ه و ز ح ط ي
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

ك ل م ن س ع ف ح
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

ق ر ش ت ث خ ظ ض
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

ع ل ا ح ب د و ا ز د ه ي ج ب د ي ط ر ي
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

ح م ل ن و ر ح و ا م ط ل ا ن ه د
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

س ن ب ل ه م ي ر ا ن ع ق ر ب ق و س
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

ج د ي د ل و ح و ت
 ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩

طالع زهره

الطالع حمل النساء

هران زنی که بطالع حمل
 از مال برآید زنی بود نیکوئی روی و نیکو بالا و باریک
 ابرو و وسیع سفید و سبیم و فادار بود و هر حاجتی که
 از خدای تعالی بخواهد بیاید و خداوندای طالع را فرزند
 بسیار باشد لاکم بماند و اگر از شوهر اول جدا شود او را
 دو شوهر بآید که ستاره او قوس باشد یا اسد باشد و بر
 چهار یا شش شگافه نیکو باشد و خداوندای طالع را
 قطعی و شکی نباشد زیرا که ستاره ملوکا نیت و خداوند
 این طالع زنی بهمان دهنده و سخنی بر ورنه نباشد
 اما بایک طالع ندارد و پیشتر مردم نان و نمک وی را
 خورند و دشمنی وی کنند و باید خیر بسیار کند
 که وی را نیکو باشد و خداوند این طالع را بر سینه

بپرشت نشد باشد او نشد نیک غنی است
و پجاری و پرسترا زخ و صفرا و درد شکم باشد غظه
و قران و بریک کله و شانزده سالک و پیت و چهارگی
باشد چون ازین خطر با و قران با بگذرد هشتاد و پنج سال
هشت ماه و هفت روز عمر کند و اگر نترسد که حاجت
رو به دست راست بپسند تا حاجتش روا کرد و چون
ماه نوبه پند چشم بر نرسیده افکند تا آن تا بروی
مبارک باشد و خانه فرزندان وی بدست از فرزندان
نرسیده تا برسد و خانه پدر و مادرش سلطان بود
ازین نیکه نه پسند و طبع وی کرم و خشک باشد چنانچه
حکیم را پسیدند که دار و او چه باشد گفت طبعش و
کنایه غنی و کله سرخ و پدید و پدید و قافه و نر
ش می و تخم رازبانه ازین تا هر یک در مقام با عمل چون
گذرد و فرزند

کند و بوقت بهار بخور و ناهمه در و ناراض باشد و
خداوند این طالع را از پیش رنج رسیده است یا میرسد
باید که زنده گانی آن جا بکند که پدر و مادرش کرده اند
و بغیر از مادر خوش از یک دیگر شیره خورده است و صاحب
این طالع از روز تا روز پنجشنبه و آدینه سازد و فرزند
و فروخت در روز شنبه سازد و حاجت بکند و
دارد خوردند روز چهارشنبه سازد و ارمایه
محرم و صاحب این طالع به تقویر نباشد و این تقویر نو
با خود نگاه دارد تا ارشاد شدن و جمیع آفتها
ایمنه بوده شد و الله اعلم تقویر نیست
بسم الله الرحمن الرحیم یا احسان یا منان
یا دیان یا سلطان یا قیوم

يا اهدنا شريها حفظ لصاحب
هذه الدعاء هم لهم حمد يا حفظ

$\lambda \epsilon \mu \nu \rho || \tau \delta \phi || \chi | | \psi$

الطالع الثور والنساء هـ ان زنى كوطالع

ثورا را حاکم برآورد و لیل کند که زنی بود نیکو مالانہ کوناه
 و نہ بید میانہ فاخت بھ و جفا کشندہ و سرخ سفید
 و سفید بخت بھو اگر از شوهر اول جدا شود بے رخصت
 افتد و فرزندان شی بسیار باشند اما کم باشند و خدا
 ای طالع را در بار ویا در پهلوش نی باشد اولش
 نیک غنی است و از فرزندان سر سینه خوبی پور رسد
 و خداوند ای طالع باید کہ با توبہ باشد اگر بدین وقت
 توبہ کند سدید بھ باید کہ ہمیشہ با تقوی باشد تا از بلا

۱۵۸

ایمانش کرد و دپهاری وی از سر وی خوشی باشد جایست
حکیم را پرسیدند که داروی و پیریه باشد گفت طباشیر
و کتیرای سفید و کل سرخ و زنجبیل و قرقفل و جوز هندی
از هر یک مثقال عسل بمچون کند و بوقت بهار بخورد
تا همه در و ما سونا فاع باشد و چون مانوبه پند چشم
بر زنان افکند تا آن مابروی مبارک باشد و از روز
روز پنجشنبه و آدینه مبارک باشد و خداوندانی
طالع راکت و غده و کما و کو سفند نیکو زد و از
پیماری مخاطره باشد و قرآن وی یک کتی و چهار کتی
باشد چون ازین قرآن بگذرد عمرش بنود و هفت
سال رسد و عجل الله هلال گوید که صاحب این طالع بی
تغویز نباشد باید که همه وقت ای تقویر را با خود
بکشد و از روز نازمجه بلاء و آفتها ایمان باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَسَنُ يَا مُنَانٍ
يَا سُبْحَانَ يَا سُلْطَانَ يَا مُسْتَعَانَ يَا هُوَ
يَا مَنْ هُوَ بِاللَّهِ الْإِلَهُ الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ
هَذَا الْكِتَابُ

م ۱۱ ط ۱۱ ع ۲۲ **الطالع جوزاء الناء**
هران زنی که بطالع جوزا از خال برآید دلیل کند که زنی
بود نیکو روی و نیکو خوی و نیکو قامت و کندم کون
و خوش معاش و صاحب است به و در دل مردم
شیرینی باشد بسبب بگوشت و شیرین زبانی که دارد
نشاط راحت دارد و بدل قوی بود و دل همیشه
در مشغله مردان دارد و در همه کارها زیرک
و بر همه کس طالع ندارد و با هر کسی خوبی کند و در غرض
بدی کند و هر که بدی طالع بود او را بدنام دارند
و اگر کسی

۴۷
و اگر بر سینه یا شکم نشانی دارد او نشان نیک
بخشی است باید که از خیر کردن سرتا بد تا خدا
تعالی نعمت و مال او را زیاده کرد و اندوهر که او
و شنام دهد در ساعت پیشان شود و پیرا فرزندان
بسیار باشند اما کم باشند و از چشم پیران و پیران
رسیده است باید که به تقوی بنشیند تا از شر آن
ایمنی گردد و در غایت او پیشتر از در سر شکم باشد و
همیشه خون باید گرفت جابینوس حکیم و پیر
که مار و روی چه باشد گفت همیشه بیدار و بیدار
روح و زنجیری و از چینی از هر یک و منفعت با عمل
معمول کند و بوقت بهار بخورد و ماهی در دماغ
ناخن باشد و چون پیشی که روح بدست است

و دیر از قیامت چیزی بدست آید و پیوسته
عاشق دل بود اگر از شوهر اول جدا شود و جدا
نفع نکند اما باید شوهرش بطالع قوس یا حمل
باشد تا در میان ایشان دوستی و محبت باشد
و بدیکر طالع زردوزن اعلامی و با هم
و از هیچکس نرسد و زن بود صاحب سیر
اما و شمع بسیار دارد و لا بروی ظفر نیابند
و کار خیر کند و مرگش بنوبه بود و از روز تا روز
یکشنبه و پنجشنبه سزد و ترویج کردن هر روز
پنجشنبه سزد و خرید و فروخت هر روز چهارشنبه
سزد و حاجت خویشی هر روز شنبه و بدترین
روز از روز چهارشنبه باشد و فی طره وی از بار بود

طالع طالع

جای نوس حکیم و پیر سیدند که داروی وی
چه باشد گفت طبع شیر و کتیرای سفید بپزد
و بپزد و قافله و نه مرش می و عجم را زبانه از هر
یک و شکر آب عسل بچون کند و بوقت بهار
بخورد و ناهمه در دنیا سوزناغ باشد و اگر کسی
بجست و بدست راست بپزند و جوشان و او
کرد و چون ماه نوبه بپزند چشم بر زنان نکند
و خداوند ای طالع سوا بنا زن زود خانه برد
و در سنا نشی میران بود و بیرون باشند
و خانه پدر و مادرش عقر بود از ایشان
هیچ منفعت نپزند و خانه مرگش حوت بود

از آب حذر باید کرد و خانه اش بدش محراب بود
بدشواری بر آید و خانه دشمنانش سرطان بود
دشمنان و در ضعیف باشند و خداوند این طالع را
از آتش ریخ رسیده یا میرسد و بغیر از نور خود
از کسی دیگر شیر خورده باشد و خانه نفق
در برج سرطان چون بخوابد سر بوی مغرب
کند تا از آفت خواب بیدار گردد و عطر
و قران وی بیک لکی و در لکی و هزاره
لکی باشد چون ازین قران بگذرد عمرش
هشتاد و پنج سال و پنج ماه و روز باشد و ع
هلاک گوید که خداوند این طالع را از چشم بد
و زین بد بهم بید که پیوسته نفوذ

[illegible]

بطالع پس از خاک بر آید دلیل کند که زنی به خرم
دل و نشاط و از غم هر چه و هر که خالی از عشق
نبود و مردمان وی را دوست دارند و نیک بحث
بود و با کس طالع ندارد و مردم بسیارند که نان و نمک
او سوخته خورد و با و دشمنی میکنند و وی را ازین
دشمنی و افتها برسد لا سهل باشد و از سبب آفت ام
الاصبیان و از پریان زیان باید این تقویر خوابگاه
دارد تا در سویدی و گزند نرسد و مرگش بدو رسد
بود و از آب حذر باید کرد تا سلامت باز ماند و
خانه امیدش جورا باشد بهر امید که دارد پس لا
بد شواری بر آید و خانه دشمنانش سرطان بود
دشمن وی ضعیف باشد و بر همه دشمنان

تو ظفر نید

طفر باید و خانه فرزندان وی قوس باشد فرزندان
وی نرسد باشد و خانه پدر و مادرش عقیبت
ازین پنج منفعت بود نرسد و خانه چهارم
وی جدی بود از بیماری رنج و مشقت ببار کشد
فاما سلامت بگذرد و خانه شوهرش ولو بود اگر
از شوهر اول جدا شود به یک رخ رسد و جداوند
ای طالع از روز تا روز و شنبه و یکشنبه سازد
و تزویج کردند بر روز پنجشنبه و خرید و فروخت روز
بروز جمعه حاجت خویشی بر روز شنبه و بدی
روز تا بروی روز چهارشنبه باشد چهارم
از باب صغرا به از جانیوس حکیم پرسیدند که در او
وی چه باشد گفت طباشر و کثیرای مفید است
و بیست و قافله و نعرشانی و غم ز زماغ و روز

هر یک و متقابلاً عمل معجون کند و بوقت چهار
بخورد تا بهمه در دماغ رسد و چون مائو
به پند چشم بر زبان افکند تا آنکه ماه بروی
مبارک باشد و خانه نقروی در برج شد
با فتم سه سوی مغرب کند تا از آفت خراب
ایمنی کرد و خداوند این طالع باید که راز نه شود
بکس نکوید و از شخص بزرگ رزق خشنی
حذر کند و در پیش در او دستی کند و در عقبه
با و دشمنی و حی طره و قران و بیک سالی
دوه سالی و هزاره سالی باشد چون ازین
قران و خطری کند و عمرش بنود سالی در کش
بد و سینه به بعد از نماز شام غسل کند طالع گوید

که از او

که خداوند این طالع مبدی و تقویر نماید بودند پیوسته
این دعا سو با حق تعالی دار و ندار دشمنان ایمن و مخطوط ماند
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
اَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ
الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاعِزُّ
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ الْخَفِيُّ
لصاحب هذا الدعاء يا حفيظ ط ۱۱۱۱۱

ط ۱۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱۱ م ۱۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱۱ **الطالع**

لسبيلة النساء هر زن زنی که بطلع سبیل از

مادر زاده و لیل کند که زنی به نکو خوی و نیکو روی

و نیکو بالا و کندم گنج و شک و نان و زبرک و دانا باشد
 و زبر که ستاره خردمند است و همیشه دل در غفلت
 مروان دارد و اگر بالا بندد بهیشت از دست
 ران فخر برج باشد و اگر میان بالا باشد آرزو
 حرم و نعمت باشد و هرگاه کاری کند و دل کند
 و در بار بو غم عظیمی برسد یکبار بگوید کی و یکبار
 بزرگتر باید که حدقه بدید لا باختر کاروی بالا کرد
 و مردمانی باشند که نان و نمک و برآورد و عیب
 با و دشمنی کنند باید که از ایشان در حدی باشد و
 اگر بر سینه نشانی وارد آن نشانی یک عینی
 روی باشد و اگر شکست حاجت او بدست
 می آید تا حاجتش روا کرد چون ماه نویسد
 و بیار لاله

و چهار بر بسیاری کشد و آخرش سلامت باشد
 و غم بخورد و از چشم و زبان بدو غار آن او
 ضرر برسد دعا قبت بخیر بگذرد و از نظر حیان و
 پیران ضرر را دبرسد دعا قبت بخیر بگذرد و باید
 مقوی نباشد تا از همه آفتها ایمن گردد و دیگر آن
 بسیار باشند و لیکن پیشتر و خضر باشند زیرا که
 طالع و مراد و سوت و خانه جوانی در برج سنبل
 بود چون جوانی بر سحر مغرب کند تا از آفت خود
 ایمن گردد و خانه سفر و در برج ثور بود مغربش
 بسوی مغرب بهتر بود خداوند این طالع ۴ فی طره
 و قرآن یک سالگی و سه سالگی و پست پنج سالگی

پیش کسی حاجت رود بدست چای بست
تا حاجتش روا گردد و باید که دایما با تقوی باشد
تا از همه بلاهای ایمنی که در دو خانه شوهر محل بود
از شوهر عز و شرف یابد و خانه چهار روی قوی
بود چهار روی پشت از رخس و صفا بود از
جای نوس حکیم پرسیدند که دار و روی باشد
گفت طبعه و بید و زنجیل از هر یک منفی
با عمل معون کند و وقت بهار بخورد تا به درو
نافع باشد و از روزهای سوار و پخته و همه
ساز و خانه خوابی در برج میزان به چون
بخوابد روی شرق کند تا از آفت خواب
ایمنی کرد و غطره و قرآن وی یکسای کلی
دانش کلی

دانش کلی و ده کلی باشد چون ازین قرآن و
خطر و بگذرد و عمرش بود و پنج سال به سید عالم کوی
که خداوند این طالع پیدا و تقوی نماید بود و باید که پیوسته
این تقوی را با خود نگاه دارد و از هیچ طاعت و آفتها این
باشد و این بدکوبان و غار آن بر و بسته کرد و اعظم
بسم الله الرحمن الرحیم عرفت علیکم
بما عرفت و علم صاحب العزم بحی لبم الله
الذی و اهبت الخلائق ابدایه قال و
باهباً ساهباً بدهباً او تصیح مع
عالم هم هم هم هم هم هم هم هم

الطالع العقرب النهر هرگز نشکر بطالع عوب

از حال برآید و لیاقت کند که زنی بگویند و نیکو بالا و
سرخ سفید و منجی ششم و فراخ روز و تیز زبان و
مردم جوست و منجی طبع و صاحب کرم و اولی
و روع و بهتان نسا زود غم سپوده و بیاجور
بوسط آنکه مردم در طلب اخی باشند لا از شر
ایشان خوشی را نگه دارد که غم و بلا بپوشد
و اگر از برای حلج پیشگی و و بدست چسبند
تا حاجتش روا گردد و چنانچه نوبه پند چشم بر زبان
آیند تا آنکه بروی مبارک باشد و خانه ملا
و پدرش در هیچ سبب با وی مهری نباشد و از خانه
این نادرست

ایشان راحت کمتر پند و خانه فرزندان وی
هوت باشد از ایشان راحت پند و خانه چهار
و چهل بود غلبه از خون و صفرا و در کمر و جایی بوس
حکیم و پسر پند که داروی و چه باشد گفت پند
و پند و پند و زنجیر و دار چینی و جوز هندی
از هر یک مقدار بمال چون کند و وقت بهار
بخورد تا به در و تا صاف باشد و خانه ایش
سند و بهر اقتدر که دارد برسد و خانه و پند
میران بود دشمن و در ضعیف باشد اما بسیار
باشد و پیوسته طعنه زنند از ایشان حذر باید
کردند و خداوندای طالع سوار روز و روز آینه

دست شنبه زود خانه خواب و در برج میزان
بود چون بخوابد سرش بکوبد تا از آفت خواب
ایمنی کرد و می طره و قران وی یکسایگی و
سایگی و چهار سکی و هزاره سکی باشد چون از
خواب بیدار شود و شش بود و شش برسد بحال
کوچه که خداوند این طالع بدعا و نفوس باشد
این تنویرها بود و دارد نارنجی و آتشها
محفوظ ماند عالم اسم بسم الله الرحمن
الرحیم عرفیت علیکم یا ایها الحر
الوسواس من جنود ابلیس
والیضا للی علی الشر و منّا
دنی

و من کل عرلد و صاحب و ساحت

الله یا حفیظ ع اط ص و ع و ع ۱۲ و ۱۸

ص ۱۱۱ ع الطالع القوس النشأ

هر آن زن که بطالع قوس از مادر بزاید دلیل کند که
زنی بود نیکو و در نیکو خونی و نیکو بلا و سنج سفید
و پهن پشانی و شیرینی سخی و مردمان همه و بر
هست دارند و از مردمان روزی میزند و باقر عکا
وی بالا گیرد و خورسته و مهربان جمع کند و سخی
طبع بود و صاحب خیر باشد و از کارها خیر سیر
شود و خدای تعالی مال و نعمت او روزی کند
و مردمان بسیار باشند که مایه و شوهر او

غیبت کنند لایباید که راز دل خود با کسی ننویسد
تا پیش بینی نکند و مردمان نادان را سر و جاو نکند
باید که همیشه دعای باطل الشیطان را در تازیانی
و جاهلی بر سر بخار کنند و هیچ رنج و بر سرند و صاحب
ای طالع سوار از روز نادر و پنجشنبه و از ماه ماه
رمضان سال کار بود و طبع و کرم و خشت است
و بیماری که از درد پست و کبر باشد و اگر پیش
کس حاجت دهد بدست راست باید تا چشمش
روا کرد و چون ماه توبه بیند نظر بر زنان اندازد
تا آن ماه بر او مبارک باشد و از آنکس نیری فیروزه
سازد و خانه پدر و مادرش حوت بود و بر کس
حیوان باشند و خانه فرزندان حمل باشد بیشتر
بفرزندانش

نیزه باشند اما کم باند و خانه دشمنان وی
عقرب بود و دشمن وی ضعیف باشد و صاحب این
طالع سوار و کوه کند و شتر و جمیع چهارپایان و گاو
سازد و پیاپی شتر از غنای و بار و رتوبت بود
جای نوس حکیم و پیرمندان که دوا را و چه باشد
گفت طباشیر و بید و بید و قرنفل و دارچینی و
زنجبیل و جوز هندی و فلفل از هر کدام و شکر
عمل معجون کند و بوقت بهار بخورد تا بهیچ درد
سوزناخ باشد و قران و عطارد وی بیک
و هر کس دست لکی و پست و بیخ سارک باشد چون
از قران بگذرد و عمرش بهشتی سال برسد و عیال
همه که خداوند این طالع به شوهر بیاورد باید که این دوی

برای وی بدید و هر چه بدست داشت بخورد و بفرم
دهد و سخی طبع بود لا دست صاحب طبع بسیار
نکست و مردم در پیش وی نان و نمک و
بخورند و در عقب وی دشمنی کنند و خداوند
این طالع بنیم دارد و بکارهای خیر حد کشته
بود لا باید که تقصیر نکند تا خدا بیفتد وی
زیاده کرداند و در صدق دادند تقصیر نکند تا
تلا او و از بلاهای این بگرداند و اگر بشکست
بجاست خود بدست چنان بستاند جانش را
کرد و اگر ماه نوبه نظر بر زنان افکند تا ای
بروی مبارک باشد و از بیمار روی سوخته بود
بشتر از این

بشتر از بار و خون دفع بود جای نوس حکیم و
پرسیدند که دوی وی چه باشد گفت طبع شمرید
و بیدید و فافه و زنجیر و دایره و جویز هندی
از هر یک و مفاتیح عمل معجون کند و بوقت بیمار
بخورد تا همه در دماغ سوناف باشد و از روز بخشد
دو شنبه سازد و روز یکشنبه ویرا هیچ کار نرود
چهارشنبه بگوید زرد و از چهار پایان ستم گرفته روزه
مند بود و خانه خواب وی را در برج جدی افتد چون بخوابد
سور مغرب کند تا از آفت خواب بماند کرد و قرآن
و عطره وی بیک لکی و پانزده لکی و سی لکی
باشد چون از این خطر بگذرد و عمرش بود هفت سال

[illegible]

زنی بود راست کار و کندم کون دبار یکله پرو و شیرینی گفتار
دله و طرب راه است دارد و اگر بوجه هم آمده باشد
عطردست پیوسته بپرو و میانه بالا باشد و اگر بوجه
سیم آمده باشد راست کار و سفید اندام و باریک ابرو
دشمنان و تازه رؤوس کاری باشد و باور و
پرهیز کاری باشد و با فقر عمر است بوی سید و درازن
گانی کند و بر سینه شکم نی دارد او نشان یک
بخش است و کار خیر کند که حج در یابد و هر چند بزرگ
شود کارش بهتر شود و لا زود خشم گیرد و زود
پشیمان شود و رحیم دل بود و با صلاح باشد و با کسی
که خوی کند بد سریند و بیشتر فرزندان وی نرسد
باشد و طبعش گرم و تر باشد و خداوند ای طالع را

از آتش رنج رسیده ست یا میرسد و خانه خواب و
در برج دلویافته هرگاه بخوابد سرسوی مغرب کند
تا از آفت خواب بگریختن کرد و در بیمار را از در شکم
جای نوس حکیم و پیر سیدند که علاج این چه شد گفت
طباشیر و پید و بید و شکر طبرستان و دار چینی
و فلفل و جوز هندی از هر یک مثقالی با عمل چون
کنند و بوقت سه بار بخورند تا همه در دماغ خافد باشد
و قران و مخاطره وی یکس لکلی و یازده ساکلی باشد
چون از این خطر بگذرد و عمرش بنود و پنج سال برسد و صاحب
این طالع از جامه های رنگینی سازد و از رنگینی لعل
مخانی سازد و از چهار پایان کاو و کوفتند و در شب
ویرا سازد و از روز تا روز شنبه و از ماه تا ماه و

[illegible]

حوت از غار برآید ته وجه دارد اگر بوجه اول آمده
باشد تعلق بر خل دارد و سینه و باریک ابرو و باریک
آواز باشد و اگر بوجه دوم آمده باشد شست
بکوفت و خوش خلق و سرخ سفید و پیش
چشم و یک معاش باشد و لهو و طرب و دوست
دارد و فرزندش بسیار باشد اما کم باشد بر روی سینه
نشانی دارد و نشانی یک خنثی است و از آب حار
باید کرد و شهوت غالب و شوهر هر وقت باشد
و تابستان وی را تاب زرد و رخ دوی غلبه از حرارت
و در وجه کبر باشد جای نوس حکیم که پرسیدند
که دار و روی چه باشد گفت سکونیه و قمر نقل
و دار چینی و جوز هندی و پیید و پیید از هر کدام
و مفتاحی

۶۳
و مفتاحی عمل چون کند بوقت بهار و خور
نایم در دنا سوناغ باشد و قران و خطروی
چهار سال که و هزار و مسکه و مسکه لکی باشد چون
ازین خطر بگذرد عمرش بود سال برسد و خداوند
ای طالع سوار جامه سفید سازد و از کین
عقیق سازد و از چهار پان مادینه و از زرد
روز پنجشنبه و از ماه ماه ذیحجه سازد و چون
ماه نوبه پند چشم بر زنان افکند و چون پیش
بزرگان رود بدست چپ بپزند تا جانش
روا کرد و خانه خوابی را در برج هفت
با فتم چون بخوابد سر سوی مغرب کند تا از
آفت خواب ایمن گردد و بعد از آن ایمن

خلق الله تبارك وتعالى يا الله
 يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام
 يا من هو عاشوراء اصا ا ا ا
سجانه يا لا اله الا انت يا رب كل شيء
رحمة وعلما وراثة حلسون
على الله الله الله
 شداء نمرود فرعون ابليس
دیوچ نویس دیوچ نیم پیش حضرت
 آوردند و یکدست باز کرده بود و بیکدیگر دست
 نیم کافر و نیم مسلمان نزد حضرت سلمان آمد
 حضرت پرسید که نام تو چیست و مقام تو
 کیست

کیست و یو گفت قرارگاه من در قبرستان باشد
 و گاه در مرغ و تشیب و در لب آب و آن هر آدمی را که
 در آن جا بید و خدای سوار کند و با نام خدا هم خواند
 من روز آدینه آیم مانند مرغ زر و کمر و دی که دم و در
 بارب نم چون بار من بوسه رسد و حال سست شود و
 خواب کند و بی سستی شود و لب و دندان خشک شود
 و فراج تلخ شود و شکم سخت شود و طعام و معدن خنبد
 و صفرا غالب شود و کرون و بازو روی را کمیرم
 مانند قلع و در که های او را بر هم رزم و چینه نام و نه
 مار و مانند دو و بر اعضا روی روم و مانند زبور
 در کلوی و روم و در پهلوی وی در ایم او و تکیه

بدن او عالج شفا باید بفرمان خدا ترشح و حل شدن
این نیت ابله پس تلبیس یوس همامان
فیعون نمرد و اسرار حافل و احوال ارحام
دیو بیج جونا دیو بیج و نژاد حضرت سلیمان
آوردند حضرت پرسید که اید یونام توحیت مجای
تو کیست یو گفت نام من جابر مروان و خطاء
طون و عیالین است و جای من در کنار آب و آن
و گاه در زیر درخت میوه دار و گاه در باغ و گاه در
قشرباشد چمن خداوند این طالع دانی ستار و
پیش من آید و خود و برهنه کند و نظر در آب کند
و نام خدا را بخود نداشته باشد و یا نام خدا نه بر
وی را نظر کنم و در حال باور نم چون باور من بوی
رسد فاعلم

۹۸
رسد فی الحسب بر بدو آید و چشم تاریک شود و طاعت
از وی بیبرم و دست و پای او پیر بفرمان شود و تب
کسیر و لرزه آید و معده سنگین شود و طعام کمتر
خورد و دندان تلخ گردد و صغیرا غلب شود و قشرا
بیبرم و رنگ او زرد شود و سر و سینه پر اشی
گردد و چمن خراب رود و چمنه باید آید و دندان
نمای خود را بر هم زند و چون خواهد سعی گوید نتواند
گفت چمن خیمه دوست می پای او پیر فرمان شود
و اگر کودک باشد او و چشم بد رسیده است از
سبب فرود هم و نشان آن باشد که روی زرد
شود و تب ببرد حضرت سلیمان گفت علاج وی
چست گفت موی فیل در زیر دامن کودک

دربار

وَاِنَّهُ اِيْنِ دَعَا وَنُوْبِدْ وِدْر كِرُونِ پِمَارِنْدَنْدَشَا
 يَبْدِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَبْلِيْسُ كَمْ تَلِيْسُ
 سَمِ الْفَرَجِ حَقِّ نُوْرِيَةِ مُوسَى وَاجْمَلِ عِلْمِي
 وَذُبُوْرٍ دَاوُوْدٍ وَصُحُفِ اِبْرَاهِيْمَ فَرُوْغَا
 حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ مَظْفُوْعٍ اِلَى اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
 اَحْرَفَتُ بِنِصَالِ التَّعَاةِ مِنْ حُرِّيْهِ

و غول و عدله زین شتر پیش من شتر کل شطان
الرحیم یار هیبت شرا بهیابتم در و درج فلان
در کوه هفتم و در هفتم عی خاتم سلیمان ای
و ادو و اجسوزن نیست شد و نمرد و فرعون
ابلیس **دیو بیج اسد** دیو بیج هونرو
حضرت یحیی آوردند حضرت یحیی آن گفت
دیو نام تو چیست و مقام تو کیست یو گفت
یا نبی اسد نام من اصفی الله و نام هم من عود است
و صورت هم من چون سر آدم است و من بی چون
شتر باشد اکنون قرارگاه من در باب
روان باشد و گاه در بیابان باشد اکنون
پراکنج هزار عتبت باشد بعضی مسلمان و بعضی
کافرون

۷۱
کافرون من سر و ارباب من و هر که بدین طبع باشد
دو پیش من آید و خدا را یاد کند و یا نام خدا را
بهمراه نداشته باشد من او را با خودم و چون با تو
با و رسد فی الحال سرش بر و آید و چشمش تاریک
شود و تنه وی بست شود و مانند قلع در
کردن و باز و دوش او در آیم و در صده و سینه
و ناف و شکم او جا کنم و گاه در پشت و کمر بگردم
و گاه زبانش ویران کنم چنانکه نتواند سخن گفت
و حالت صرع و دیوانگی پیدا کند و را نوزد
وی سو بکیرم و بعضی خود را بر منه کنند و آب
ریزند و بعضی خود را بپند و آب ریزند و چون
چندان من را بشان رانند پند حضرت رستم

[illegible]

نیز
و با آنکه چه چیز
آواز بلند بگوشه و سر و دهن
نشان او بکشد که در وی کار و شود و بگوید
و سر و در و کشت و صندل و کافور و بوی
سبزه و گلشن و بوی علاج و بوی
دانه و مشک و بوی گلاب و بوی
نار و بوی بیدار و بوی نعناع و بوی
و بوی بیدار و بوی نعناع و بوی

[illegible]

نور و صفا و کمال و ابرو و شفا و پیرامه

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم

الله اعلم

الحق في الدين

الاولى

2500 177 954 272

16459111

۱۲۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

ND

بدر و جواد
شفا یابد حسودان ریاضت
شد او نمود ابله بی بسی
را نزد حضرت پیر
و مقام تو کیست و یو گفت با بی نامم
و مقام تو کیست و مقام
و نامم سیم عاقل است و آن و گاه
جایی که پنهان باشد و گاه در کنار آب و آن و گاه
خراگینه و گاه نزد یک عالم است هر جا که
و در آن که پنهان باشد و در آن که

ع ر ا ط و ا ه ن ح ا ا ا ا ا ا ا ا م م م م

م ل ا ا ا ا ا ا ا ا ا ع ع ا ر د د د

و ر و ر و س س ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا

ا ا ا ا ا ا و و و و و و و و و و و و

و ر و ر و ا ا ا ا ا ا ا ا م م م م

[illegible]

چیت
و مقام تو کجاست
و تو گفت ای منی الله نامم طاعتیه
و نام دیگر درین ایضا صاع و نام دیگر یو ط و من
چون سر شیب باشد و مقام من در کنار آب و آن دو کادر میان
آب و گاه جایی که سگ و گاو زن و خواه مرد و نام صاع
از آب و خواه خورد و خواه بزرگ و خواه زن باشد و نام صاع
نزد آید خواه خورد و بیا فو هم نه داشته باشد و نام صاع
فعلی رانه برود و بیا فو هم نه داشته باشد و نام صاع
با و من بدین رسید و در حال لرزه بیدار آید و در میان
تا از یک شود و سیاهی بیدار آید و در میان
در دکنه و معده سکته شود و در
منبت و طعام کم خورد
عقود و

جهت عزایم خواندن اما چون کسی خواهد

که عزایم خواند باید که با وضو باشد و طهارت باشد
و خوب کل در دست گرفته و بجزیه بخواند و خوب
باین در می زند لا در وقت خواندن جنب و طریض
نباشد و گوش هر دو کند و نقره در آب اندازد و شراب
در عزایم کند و بعد از آن عزایم آیه الکرسی قلم هو
الله احد و صوفی بخواند و بر آب بد و بخورد
در می دهد و بر رو در می بیند شد شفا یا ^{یا رب العالمین}
یا دعا بسم الله الرحمن الرحیم عرفت
عَلَيْكُمْ عَنَّا حَبَّكَ السَّالِكُ
السَّالِكُ نَلَا نَلَا احْضُرْ احْضُرْ
احْضُرْ يا صاحب الجن والشياطين
بجانب

من جانبك لا يمن والميسر من جانب الجنوب
والشمالي صاحب الجن والشياطين عرفت
سليمان داود و علي السلام حاضر شوید
مدد دعا بسم الله الرحمن الرحيم عرفت
عليكم بعزایم الله و بعزایم سليمان ابي داود
عليه السلام عرفت عليكم بعظمة الله
وبقدرة الله و كبرياء الله اكرهوا ينبغي
نور ان موسى و اكر ترس يا بندي انجيل عيسى و اكر
كبر بندي عيسى زبور داود و اكر مورغاندي عيسى صفي ابراهيم
و اكر هند و يا بندي عيسى هذه العزایم و اكر مسلمان بندي عيسى لا اله
الا الله و محمد رسول الله اخرج بكرة الله اخرج بقدره

اخرج بعظمة الله اخرج بسطان الله اخرج
بخشية الله اخرج ولا حول ولا قوة الا بالله
الحق العظيم بسم الله الواحد الاحد الصمد
الله الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً
احد عرفت عليكم بعظمة الله وقدرته
سبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا
بالله العظيم بسم الله الشكر لله بسم الله
والمنة لله بسم الله والملك لله بسم الله
والقوة لله بسم الله والعظمة لله بسم الله
والكبرياء لله بسم الله العظيم لله بسم الله
القهر لله بسم الله والنعمة لله بسم الله
والبقاء

والبقاء لله بسم الله والعطاء لله بسم الله
والثناء لله بسم الله وبالله ولا حول ولا
قوة الا بالله الحق العظيم الكر جودا ينسحق
تورات موسى واكر ترسا يانيد عني انجيل
واكر كبريا يانيد عني ذبور داود واكر غور
بختي صحف ابراهيم واكر هند ويا يانيد عني هذه
الغنايم واكر صليمانا يانيد عني لا اله الا الله محمد
رسول الله ص اخرج شماك ياكاي يانيد شماك
دين دار يانيد كايان بخداي عز وجل دايد
از شا اي پيار بيرون شويدي وكرينه بر شما

کم در دعاها معظم بر شما خوانم و شما را باسم
اعظم خدای تعالی تا خیر کرد و نام بحق یا الله
یا الله یا الله یا رحمان یا رحمان یا رحمان
یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا هو یا من هو
یا لا اله الا هو بحق لا اله الا الله محمد رسول
الله اخرج بقرعة الله اخرج بقدره الله
اخرج بعظمة الله اخرج بسطان الله اخرج
انك لمن الساعرين برحمتك یا ارحم الراحمين
رب انی لنی منی لا مبارکاً و انت خیر
المرسلین فالله خیر حافظ و هو ارحم الراحمين

دعا کثیره خواند

دعای شیروستان بسم الله الرحمن الرحیم
فیهما الفار من فیه غیر آسین و الفار من
لین لم یغیر طعمه و الفار من ضمیر لیه
للشاریین **جهت تبرک** ای ظلم را نوشته و هر روز
یک بار آیت نثار و بسمه بر لب و در وقت حاجت
روز اول تقصیفه **روز دوم** خلصه
روز سیم فتصیفه **نوع دیگر که عرب و امین**
شد بنویسد و بپارد کاغذ مردم کبر و دریا
نوی مریم بنده و بنده برود و دفع شود بانه
بسم الله الرحمن الرحیم خلق السموات و الارض فی
سِتَّةِ

اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الْعَظِيمِ هطل هطل
هطل تَرْمِي اَطط اَطِيط شَفَاءٌ مِنَ اللّٰهِ
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ فَتَقَبَّلْ وَتَرْمِي بِوَجْهِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
نوع دیگر بیاور بسیار که دخته نو بالغ ریشه باشد
دهفت لا کند و کره بزند و بگوید کاف و کره بزد بگوید
هآ و کره بزند و بگوید یا و کره بزند و بگوید عیی
و کره بزند و بگوید صاد و کره بزند و هم چنین
پنج حرف جمع را هم بگوید که مجموع ده حرف است
وده کره بزند و در کردن مریض بند و تب لرزان
رفع شود **قاعده ترله** و ماده بیاورد و تخم مرغ سیاه
و بر و بنویس لبسم الله الرحمن الرحيم ططحا

شی ططحو

شی ططحو شی ططعیشی اسکن بقدرت الله
اسکن بعزّت الله اسکن بجلال الله اسکن
بكمال الله بسم در و سر و نیم سر و ماده و ترله شرح
با و سفید باد و ترخیب آبی و بکوه و ماوند
الام ۱۱۱۱۱۱ **بجهت عوام**
طاس سی را بر آب کند و قد پوست بپاز و سیر
در آتش اندازد و ده د کند و جن ط گرفته و در
طاس آب بپاشد و بگوید که در آب نظر کند سوم
بسم الله الرحمن الرحيم والصّافات صفّا
فالتّجارب نجرّ فالتّاليات ذکرا این
الحکم الله واحد ربّ السموات والأرض

وَمَا يَنْتَهُمَا رَبُّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِذَا
رَبَّنَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا رِيبَةٌ الْكَوَاكِبُ حِفْظًا
مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَتَمَعُونَ إِلَى الْإِلَهِ
الْأَعْلَى وَيَقْدِفُونَ مِنْ كُلِّ حَانِبٍ حُورًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَفَةَ
فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ فَاصْرُدَا يَا جُنُودُ
مَلِكِ الْأَوَّلِ وَاحِجِي شَيْخَ ابْنِ دُرْدَسِيرَ
يُوشَ وَيَحْيَى تَمْلِيحًا سَلِيمًا يُوشَ
سَارَ يُوشَ نَارَ يُوشَ قَطْمِيرًا يَبُولِي
أَحْيَاوْثَ آلِ شَدَّادِي وَيَحْيَى كَهَيْجَه

كَهَيْجَه

كَهَيْجَه أَحْضَرُوا أَحْضَرُوا أَحْضَرُوا السَّاعَةَ
السَّاعَةَ السَّاعَةَ حُرُونٌ حَاضِرَةٌ بِصُورِ
حَيَوَانَاتٍ خَوَاهِنْدُ بُوْدُ بَعْدَ آيَةِ سِحْرِ مَرْغَزَانْدُ
آيَةُ مَذْكَورَايَ هِتْ إِيَّانَ رَبِّكُمْ اللَّهُ الَّذِي ظَنَى
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى
عَلَى الْعَرْشِ بَعَثْنَا لَيْلٍ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالْجُودُ مَسْرُورَاتُ الْإِبَامَةِ
لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ بَارِكْ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُعْتَدِينَ وَلَا تَقْنَدُوا فِي الْأَرْضِ مَعَكُمْ

اطلاحاها وادعوه خوفاد طهما ان رحمة
الله قریب من الحسین بعد صورت آد
شوند و عک و در آب ریختند به پسند
که عک و اخور و ند یانه اگر بخوردند بار
دیگر دعا را بخواند که عک و بخوردند
نوع دیگر هر که رانب شب شد این نام و پشت
پا صاحب بنویسد تب لرز بر طرف شود و بیخوش
رسیده ۳۲ مهر و اعراض **نوع دیگر** اگر کسی را
خون از دماغ آید و نه ایستد این خور و بخون
او در پیشانی او بنویسد البته بر طرف شود
سید مره لک نام مادر موسی ارجیا
هرگاه

نوع دیگر هرگاه زنی که حامله شود این دعا را بنویسد
و بر آن راست او بندد با او صحبت بدارد که حامله
شود بفرمان خدا عزوجل قدوس قدوس
قدوس قدوس قدوس قدوس و در حق طمان
اللهم مصصاها رهیه فلما اللهم
الملك الحق قدوس له له له **نوع دیگر**
اگر کسی را فرزند نشود این نقشی را بنویسد و در بوی
چوب زن بندد در وقت جماعت البته فرزند پیدا
شود بفرمان خدا عزوجل و در فریاد که هر که این دعا را
با خود بخواند دارد از روزگار خوش جاوید شود و در
هذا طمس

ع	ع	ع	ع	و	و
س	س	س	س	و	و
و	و	و	و	و	و
ع	ع	ع	ع	و	و
و	و	و	و	و	و
و	و	و	و	و	و

نوع دیگر

ع	ع	ع	ع	و	و
س	س	س	س	و	و
و	و	و	و	و	و
ع	ع	ع	ع	و	و
و	و	و	و	و	و
و	و	و	و	و	و

روز سیم ۲۱ ۲۱ بچوب بنویسد که در است
نوع دیگر جهت عزت بنویسد در زیر کلاه یا
دستار خود بگذارد یا تخمبنا العظيمة الله

السلطان

السلطان الله يار هيتا يا مصي باليا
يا بطوسينا نوع دیگر دعا شير کاو بنویسد و بر
شخ کاو بنویسد اللهم الرحمن الرحيم
وات لكم في الانعام لعبدة نفيكم مما
في بطونه من بين ذريت ودم لبناتنا
سائنا للشا ودين نوع دیگر جبهه ترکه
بند بر سر و فی سه بند را از میان شق کند بنویسد
یک سر فی با جبرائیل و یک سر فی یاسکا نیل
دیگر سر فی با اسرافیل دیگر سر فی یاعزرائیل
و ز اور خیر که فضا رو بقصد گذاشته تا خوب شود
میغه سج شرا بعد از تمیزین شق باج و کوید بگوید

جهت تزلزله بسم ترله فلان ای فلان
برنجیر آهنی و کوه دعاون

لکوه دعاون اگر فادر ریمه و صبر

وَحَلَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ
خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْيَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يَمُرُّونَ

جهت آیه چه ری شکل سو
بنوبه و بر کردن طفل بنود که آیه کم میرد

أَوْرَدَ لِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲	۳	۳	۱۰
۵	۱۱	۵	۵
۱۲	۷	۶	۸
۱	۴	۵	۴

ب	ج	ح	ط
ن	و	ز	ح
ط	ر	ه	ع
ا	ه	ع	ا

دو لکوه

دعای کرک مجرب شده است



نوع دیگر هرگاه زنی یا حیوانی شیرانش کم شده
باشد این آیه را هفتصد مرتبه برآورد بخواند و نان برود
و بخورد شیرانش زیاد و گردد و او نهستی شود
لَقَوْنَهُ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَرَقَ فَأَنْفِثْ

امنع التراب يا ارحم الراحمين ويا خير الناس
صديق **وجه در سر** اي آيه را بوقع آب بخواند
وبيا شامد شفا يابد اوله يي الذي كفرو
ان السموات والارض كانا رتقا ففتقنا
هما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا
يؤمنون **وجه در سر** بنويد ويا هو له بيار
قلت بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله
اودم صفي الله لا اله الا الله توح عي الله
لا اله الا الله موسى كلم الله لا اله
الا الله على الله لا اله الا الله محمد
حبيب الله صلى الله عليه وآله
اسكني

اسكن ايها البحر بحر الله الذي سكن له
ما في السموات والارض وهو السميع العليم
هيكه چهل شب جمعه چهل ديك مرتبه اين دعا را بخواند اگر شب
دختر بخواند نرسد بخدمت كس سبحان الله
لم يزل سبحان العالم الذي لم يجعل سبحان
الحاكم الذي لا يجعل سبحانه سبحانه يا
اعظم شأنه يرحمك يا ارحم الراحمين
نقشت از حضرت امير المؤمنين عليه السلام كبر
اين هفت سلام ۴ در روز نوروز شب و زعفران بر سر
چيني بنويد و بگلاب بنويد هر كس از ان آب فطره
بخورد نماز آينه بپوشد و در روزي نرسد و ارجح است

این باشد و اگر گرفته او را ببرد کار کند بقدرت الله تعالی
هفت سلام نیت سلام قَوْلًا مِنْ رَبِّ حَمِيمٍ
سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
يَا صَبْرَتُمْ فَنِعْمَ عَقَبَى الدَّارَ سَلَامٌ حَتَّى
حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبِيَّ
الْبَاقِيَيْنِ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ
سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ **درست است نوح و هارون**
بعد و نعت و شریفی بر تبه بخواند اینست یا مُقَلِّبِ
الْقُلُوبَ وَ لَا بَصَافَ يَأْمُدُّكَ اللَّيْلُ وَ
لَنَهَارٍ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوْلِ
حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ **جهت شریف**
نباید بر چهار قطعه کاغذ بین طریقی بر توایم چنانچه
باسین

باسین یا شین یا پیل یا فرات
پرست و حجب و نیت یا حجب
است باشد ای دعا سو نوشته بر کمر خود بند کن ده شود
بهر ن خدایت اللهم الرحمن الرحيم اللهم صل
على محمد و آل محمد يا الله اللهم يا فتاح
اللهم يا وهاب اللهم يا قادر اللهم يا راق
اللهم يا غنى اللهم يا مزيد اللهم يا رحمان يا رحيم
رحمتك يا ارحم الراحمين **اگر کسی در خورده باشد**
این حروف و بر زبان بنویسد و بداند که خود و برادران خود را
پروان و شرف اسم الله الرحمن الرحيم قَوْلًا مِنْ رَبِّ حَمِيمٍ

جهت خون و دماغ این رسم و بر پشت فی او بنویسد

هالعه هلع هالعه اکر خواهر خواب

که رابه بند سوره همدت مرتبه و با هفت مرتبه

بیوم بخواند و بر زیر سر انگشتی نهد خوابش بسته گردد

جهت سوزاک و جاست نیل جهان پور کوکب

ز غنچیل کوفته و پنجه ته روز و شب قال باب

کرم میل نماید و جاست **جهت در سر** میخسیریند

باب بر پشت بیک چشم یا لند و بر سر ببرد

جهت شفا بر بیدار بید که بکشد کف دستم بودن تبریز

بر روی چاکر شب بریزد و بگوید اللهم انی

استغفرك باسمک الذی اذا رزقک به المضطر

کشفه

کشفه ثابته من ضرر و مکتب له فی الارض

و جعلته خلقتک علی خلقتک ان

تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعاقبني

من علی بنی پس راست بنشیند کف دست را بر چهره نماید

و به چار طفل صغیر بدهد خدا ترستا مرض و شفا بدهد

دعا در دوسر این است و لا تحلقوا رؤوسکم

حتى يبلغ الهدی حمله فمن کان منکم

مريضاً اذ به اذی من رأسه فقیه

من صیام او صدقه اولی و صند

یا ارحم الراحمین **دعا در و کلو** فلو لا اذ

بَلَّغْتَ الْخَلْقُومَ وَأَنْتُمْ حَسْبُ شُطْرُونِ وَ
عَنْ أَقْرَبِ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا يَعْبُدُونَ
وَحَدَّكَ يَا وَحْمُ الرَّحْمَنِ **وعای در و پشت**
يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَزَّ
وَجَّعَهُ أَقَادِرُ يَوْمٍ تَبْلُغُ السَّارِ كُنُفًا
لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرَ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ
الْبُرُوجِ لَا تَغِيثُ ذَاتِ الصُّدُوعِ الْفُجُورُ كَيْدُ
كَيْدٍ وَالكَيْدُ كَيْدٌ فَهَلِ الْكَافِرِينَ لَعْنَهُمْ
أَمْهَلَهُمْ مَوْعِدًا وَوَعْدَكَ يَا وَحْمُ الرَّحْمَنِ
جنته كبريه طفل هرگاه كه بگويد كه كبريه كند اي آيه
نور.

۱۰۰
يَوْمَ يَكُونُ مِنْ نَفْسٍ كَذِبٍ شَوْهَانِ ضَا
مَقَرَّبًا عَدَاؤُ الْهَيْدِ فِي الْكَهْفِ سَبْعِينَ عَدَا
ثُمَّ بَعَثْنَا هُمْ لِنَعْلَمَ أَيَّ الْحَزَيْنِ احْصَى
يَا الْبَيْتُ أَمَدًا **وعای در چشم سرت** اِذْ هَبُوا
بِقَمِيصِي هَذَا فَاغْتُوهُ عَلَى وَجْهِهِ إِلَى
بَابِ بَصْرَا وَأَتَوَلَّى بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ **وعای**
در چشم سرت وَيُقَوِّنَ فِيهَا كَمَا سَأَلَا
مَرَجُّهَا وَتَجْبِيْلًا عَيْنًا فِيهَا تَسْمَى
سَلَسِيْلًا يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْأَكْرَامُ وَجْهَاتُ أَرْحَمِ الرَّحْمَنِ جَمِيعُ بَنِي إِدْرِيسَ

عبرک موت و در آب اندازد روز اقل بسم الله

اَوْحُوا رُزُقِيْمْ بِعَمَلِ اللّٰهِ طَبُوْ مَا رُوْتِيْمْ

بِسْمِ اللَّهِ اِرسوما سوس ازبک ابراهیم مطهری

و یکم تبه بخواند و برسد **و** یا قاهر العدوی یا و الی کلام

یا مظهر الحیبت و یا مرصع
هر خاکست بسته باشند

قل هو الله احد هو برزورست بندو قل ايها

فروغ باز و حجب و قلع اعوذ به العلق را بران

راست و قتل عوف و سربالنس و بران چلبی

بسته بسته در باشد که در و در این خفا

هو

این کلمات بنویس و در میان دستار یا منديل خود

مخ و اردن بن اعدا به و بسته کرد و دفعی از خاک

بسم الله الرحمن الرحيم

ص ص ص ص ص ا ا ا ا ا

دود دود دود دود رص رص رص رص رص

اَصْرُافُهَا وَلَا يَتَكَلَّمُونَ وَلَا يُبْصِرُونَ

ولا يفقهون ولا يعقلون لهم فهم ولسان

جميع خلایق از زن و مرد و بنده و آزاد و شیخ

و طفل و جمیع بدگویان و حاسدان و غمازان

وَمَكَارِنُ أَنَاثَا وَذَكَوْرٌ عَلَى حَاصِلِ هَذِهِ الْأَكْثَرِ
وَالطَّلَبُ بِحَقِّ كَهَيْعَتِهِ وَبِحَقِّ طَهْ طَه
طَه طَه طَه وَبِحَقِّ طَسِ وَبِحَقِّ
طَسَمِ وَبِحَقِّ يَاسِينَ وَبِحَقِّ فَيَكْفِيكُمْ
اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
هَرِي وَصَلَّى يَا وَحْدَانُ الرَّحْمَنِ

نقل است از شیخ بهاء الدین محمد که هر که در عمر
خود یک بار این شکل نظر کند تنش خنجر بر او
حرام گردد و بر او کار نکند شایسته الله تعالی

ط

هـ	هـ	هـ
هـ	هـ	هـ
هـ	هـ	هـ

ص	ص
ص	ص

و در این باب
نویسند که
بسیار است
نفع آن

السلام

کند اول ده بار صدوات بفرستد و بعد حمد را بخواند و
بفست مرتبه آیه و جعلنا من بین یدیه
سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِ سَدًّا فَأَعْشَيْنَا لَهُمْ
فَهْدًا لَا يُبْصِرُونَ را بخواند و بگوید بسم الله
فلان ابن فلان سوخت و از ده سال بگذشت مهر

آية وقيم زَيْنَ لِبَاسٍ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ
وَالنَّبِيِّينَ وَالْفَنَاءِ طَلِيٍّ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
وَالْفِضَّةِ وَالْخَلِيلِ السُّورَةِ وَالْإِنْعَامِ
وَالْحَرِثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَاللَّهُ عِنْدَ حُزْنِ الْمَالِ **آية تيم** قُلْ إِنْ
كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ
يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
يا حفيظ آية جدارم وَالْقِيَتِ عَلَيْكَ حُجَّةٌ
مَعِي وَلِيُضْغِعْ عَلَى عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ
فَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ **آية**
إِلَى

إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَدْ نَتَقَّ
فَتَجِيئُكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا
آية بنهم يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَزْوَاجًا
حُبَّ اللَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْغَنَاءَ
إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا إِذَا دُعِمَتِ فَأَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ يُحِبُّهُمْ
وَيُحِبُّوهُمْ أَزْوَاجًا لِلْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ
عَلَى الْكَافِرِينَ **آية شيشم** وَيُحِبُّوهُمْ إِنْ
يُحْمَدُونَ بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا وَلَا نَحِبُّهُمْ بِمَا
مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ اللَّهُمَّ

اجْعَلْنِي مَحْبُوبًا فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَبَلِّغْنِي
إِلَى مِيعَةٍ وَعَشْرِينَ سَنَةً فَإِنَّ اللَّهَ خَيْرُ
مَا فَطَنَّا وَهُوَ أَحَدُ الرَّحْمَنِ **أَبَه هَفْتَم**
فَقَالَ إِنِّي أَجِيتُ حُبَّ الْحَيْرِ عَنْ ذِكْرِ
رَبِّي حَتَّى تَوَارَيْتُ بِالْحِجَابِ رَدُّوْهَا
عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ
وَأَخْرَى يُحِبُّوْهَا نَصْرًا مِنَ اللَّهِ فَكَرَّ بِرَبِّي
وَبَشَّرَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ أَلْفَ مَوْدَّةٍ
بَيْنَ بَنِي آدَمَ وَبَنَاتِ بَيْحَرَ صَغِيرًا
وَكَبِيرًا أَوْ أُنْثَى وَخَاصًّا وَعَامًّا
أَوْ رَعِيَّتَنَا وَسُلْطَانًا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

يَا وَحِيْمُ وَجْهَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وَارِنْ**
وَارِنْ ابْنِ دُعَايَ اَزْشَرِ دِيُو وَجَنِ دِلْسِي دِيْكَرِ وَالْوَدَّ
نَمِ دِلَانِ بَاشْ دِيْهِجِ مَرَضِ وَعَلَتْ كَرْتَنَ رَنْشُونِ
وَبَاشْ نَوَزِ دِيْ بَابِ غَرْقِ نَشُو دِيْهِجِ وَشَمَانِ ظَفَرِ
يَا دِيْ بِيْشِي سِيْ غَمِيْمِ مَرُودِ يَاعِي ابْنِ دُعَايِ دِيْ بِيْشِي
حَضَرَتِ مِهْرِ دُعَايِ اَنْوَشْتِ دِيْ وَرَمِيَانِ خِلَايِ شَهْرِشِ
شَرْحِ وَخَاصِيَةِ ابْنِ دُعَايِ بِيَارِ سِتِ مَحْضَرِشِ نَاجِي
وَنَوِيْزِ رَا مَلَالِ نَشِيْدِ **بِذَاوَعِ اَتَمِّ الصَّبِيَارِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ
وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَهَذَا كِتَابٌ مِنَ
اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِنْ نَقِشِ خَاتَمِ سُلْطَانِ

ابن داود عبد السلام وهو ملك الحن
والاشياطين كل بناء وغووص الى
جميع ما في الارض يا من الله عز وجل ياربه
كان يكون لصاحب هذه الكتاب من الاولاد
والنوايج والقليلان وام الصبيان من الدنيا
والاخيرة وجميع ادواح الحي والانس عرفت
عليكم يا معشر الحي واليه عشر الادواح ان كنتم
من الادواح اليهودية فاني عرفت بنبيتكم موسى
بكتابكم التوراة فتبارك الله احفظ الحافظين
وان ادواح النصرانيين فاني عرفت عليكم بنبيتكم
عيسى ابن مريم بكتابكم الانجيل فتبارك الله احص الحافظين
وان لهم

وان كنتم من الارواح الجوسيين اتي عرفت
عليكم بنبيتكم داود بكتابكم الذبور فتبارك الله
رب العالمين وان كنتم من الارواح المسلمين
فاني عرفت عليكم برسولكم محمد بكتابكم
القرآن وبعطية قرايها من الاعظم القران
لا اله الا الله وحده لا شريك له اله
واحد ومكاد قادير ومنسكا ومعز
وانظروا لا اله الا اتي كنت من الطالين
فاستجبنا من الغم وكذلك نبينا موسى
الله لا اله الا هو الى اليوم لا تأخذه

سِتَّةٌ وَلَا نُؤْمِرُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ مِنَ ذَلِكَ لِيُفْعَلَ عِنْدَ الْإِبَارَةِ
يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ
وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا
يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
الْكَرَامَةُ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ
الْعَيِّ فَمَنْ يَفِرَّ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ
بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
الَّتِي لَا انْقِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
اللَّهُ

١٠٨
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى
النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الظَّاغُوتُ
يُخْرِجُهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ وَلَهُ
أَصْحَابُ السُّعُورِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ شَهِدَ اللَّهُ
أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ
عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ خَشَعَتِ لِهَذَا
النَّعْوِ لُبُوبُ الَّذِينَ كَانُوا عَلَى آثَانِ يَصِفُونَ
وَبِاسْمِ مُحَمَّدٍ وَسُورَةُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ دَائِمًا مِنْ عَظَمَةِ اللَّهِ

كِتَابٌ صَغِيرٌ أَوْ كَبِيرٌ أَوْ ذِكْرٌ أَوْ أَنْتَى بِحَقِّ
سَلِيمَانَ ابْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِحَقِّ
شُعَيْبِ الْكَلْبِيِّ وَبِحَقِّ خَائِمِ يَوْشَعَ بِالْيُونِ وَبِحَقِّ
خَائِمِ يَعْقُوبَ وَبِحَقِّ خَائِمِ يَوْسُفَ وَبِحَقِّ
خَائِمِ مُوسَى ابْنِ عِمْرَانَ وَبِحَقِّ خَائِمِ عِيسَى
ابْنِ مَرْيَمَ وَبِحَقِّ خَائِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِحَقِّ مَائَةِ أَلْفَةٍ
وَعَشْرَةِ سَوْرَةِ الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ آيَتِهِ
وَكَلِمَتِهِ وَقُرُونَنَا وَقُرَانَنَا وَأَمْرًا وَنَهْيًا
وَنَاسِيحًا وَمُنْسُوحًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَالْجَاءِ

وَالْجَاءِ النَّعْمَاءَ وَاحْفَظِ الضَّعِيفَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
مِنْ صَوْلَتِهَا وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاقِبَةٍ وَفِي
قَلْبِهِ فِي النَّبَا وَالْآخِرَةِ إِنَّهُ مِنْ سَلِيمَانَ وَإِنَّهُ
دَاوُدُ لِبِسْمِ اللَّهِ إِلَى حَرِّ الرَّحِيمِ إِلَّا تَعْلَوْ عَلَى
وَأَتَوْنِي مُسْلِمِينَ وَبِحَقِّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
كَأَنَّهَا يَوْمَ يَوْمِهَا لَمْ يَلَيْتُوا إِلَّا سَاعَةً
مِنْ نَهَارٍ بَلَدٌ فَهَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ
الْفَاسِقِينَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلَصَ مِنْ
عَلَيْهِ هَذَا الْكِتَابُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِذْنِهِ وَمِنْ لَدُنْهُ ابْتُغِيَ لَكُمْ
لِقَاءُ رَبِّكُمْ وَجَاءَ الْغَوْثُ الْأَخْضَرُ فَأَلْقَى الْمَاءَ عَلَى
أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَتَوْمٌ تُشْفِقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّ
وَتُتْرَكُ الْمَلَائِكَةُ نَزِيلًا الْمَلَكُ يَوْمَئِذٍ
إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا
فَانْبَثْنَا فِيهَا حَبًّا وَابًّا إِنَّا فَعَلْنَا لَكَ
فَعْلًا مُبِينًا لِيُخْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقْدِرُ
مِنْ دِينِكَ وَمَا نَاجِرٍ وَتِيمَةٍ يَخْتِ
عَلَيْكَ وَهَيْدُكَ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا
وَيُصْرِكُ اللَّهُ نُصْرًا عَزِيمًا أَوْلَى بِالَّذِينَ
كَفَرُوا إِنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا
دُهْنًا

١١٥
رُتْقًا فَنَقَعْنَا مِنْهَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا فَلَا
يُؤْمِنُونَ إِذَ السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَخَفَّتْ
مَا فِيهَا وَنَحَلَتْ وَحَيَّ إِنَّا أَنْزَلْنَا نُزُلًا إِنَّ
وَاتَّقِ اللَّهَ الَّذِي تَزَلُ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى
الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ صَبَبَ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ أَعْبُدْ بِاللَّهِ الصَّمَدَ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ قُلْ يَا
أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ
وَلِيَدِينِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ

رَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ
إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ
شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ
مِنْ شَرِّ لَوْسُوسِ النَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ
فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِادَائِمٍ يَا قَائِمٌ بِادَائِمٍ الْآبِدِ الْآبِدِ الْمُحْصِي
بِلَاعَدِ الْخَلَائِقِ مَنْ فِيهِ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ اللَّهُمَّ
بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّ

الله

111
اللَّهُ صَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُكَ يَا
مُهْدِي مَنْ مِنْ عِنْدِكَ مَدَدِي وَعَلَيْكَ مَعِي
وَيَتَوَكَّلِي لِمَتَوَكَّلُونَ اعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَجَمْعِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ
بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمُ الرَّحِيمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا قَرِيبُ الْفَتْحِ
وَالْفَتْحِ يَا فَتَّاحُ الْفَتْحِ وَالْفَرْجِ يَا عَجَلَ الْفَتْحِ
وَالْفَرْجِ يَا فَادِيَ الْفَتْحِ وَالْفَرْجِ يَا صَانِعَ الْفَتْحِ

وَالْفَيْحُ يَا فَاحِجُ الْفَيْحِ وَالْفَيْحُ يَا عَلِيمُ الْفَيْحِ يَا حَكِيمُ
الْفَيْحِ وَالْفَيْحُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
افْتَحْ لَنَا ابْوَابَ السَّادَاتِ وَابْوَابَ الشُّفَعَةِ
وَابْوَابَ الرَّفْعَةِ وَابْوَابَ الْفَيْحِ وَابْوَابَ الْعُمْرَةِ
وَابْوَابَ النَّصْرِ عَلَى الْأَعْدَاءِ بِحُرْمَتِ مُحَمَّدٍ
وَالِ مُحَمَّدٍ قَالَهُ الْأَتْقِيَاءُ انْصُرْ حَاجَتِي
بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ
وَيَا أَكْرَهَ الْأَكْرَمِينَ

از جهت ماده کاد که شمعند بدین آیه ۹ بنویسد
شیخ او بنویسد و شمع و دعا اینست ای الذین
بِحَادِثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ

منا

سَاءَ مَا أَنْ تَقْطَعُوا دِيَارَكُمْ أَوْ تَقْطَعُوا رِجْلَكُمْ
وَأَرْجُلُهُمْ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا لَنَا مَعَدَا
مَا كُنَّا مُقَرَّبِينَ بِسْمِ جِشْمِ صُودَانِ وَكَكَارَانِ
وَابْحَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ

ولی الله حقا **چهار مرتبه فرزند که فرزند شود**

بنویسد و بنویسد و بنویسد بدین نحو و علی علی علی

علی علی علی له له له له له له له له له له

هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو

که فرزند خواهد سقط شود این نشانه را بنویسد و بگوید

بنویسد و دعا اینست ما احاطا طاهرا و ما طاهرا

اگر کسی را بسته باشند چهار عدد و بیست و پنج را بخندد

كُنْتُ وَبِهِرْ يَكْ بِرْ غُفْرَانِ بَنُوْبِ وَبِنَا شَا بُخْرُو وَرْ
 سَاعَتْ وَه **اَوَّل** فَوْقَ الْحَقِّ وَبَطْلَ مَا كَانُوْ
 يَجْعَلُوْنَ وَوَيْمَ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُكُمْ بِهَ السَّحْرِ
 اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ وَيُصْلِحْ عَمَلًا
 لِّمُفْسِدِيْنَ **سَيِّم** اِنَّمَا صَنَعُوْ كَيْدَ سَاحِرٍ
 وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتَى **جَاهِد** بَلْ نَقْذِرُ
 بِالْحَقِّ عَمَلِ الْبَاطِلِ فَيُدْ مَغْنَمًا فَاِذَا هُمْ
 ذَاهِقُوْ وَلِيَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُوْنَ وَلَا حَوْلَ
 وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
از خواص این حروف است که چنانچه پیش از غفران
 بنوب و در موم گرفته بر زن بند و در و کشته شود
 الله اعلم

الله الله انوار انوار انوار انوار الواح الواح ٥

الواج الواج ياه ياه ياه تواه تواه تواه **انجيل**

بهره خام نوشته و تیر در آتش اندازد تا سبج شود

وپیچہ را در سوراخ دستہ شیر زند تا بشکر و مرو باک

این باید تا بخار بد و رسد نشاء الله تعالی بحولیت باقی الله

۱۱۱۱۱ ع ۹۴ و ا ج ۹۹ ح ۱۲۷ ع ۱

اگر کسی را بسته باشند این شکلها را بر قلع نوشته در آب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه معتمد مطهره و لایق

و دیگر بنویسد بر هفت عره نان این شکله را بهم

مرو بحروف مقطعه و بدست تاج و خوار و هر قلم

و بعد از آن که در این باب بحث شد و باینکه باید که این عمل در

در ساعت یکم روز چهارشنبه باشد و رحمتی نوشتی
 لمن مكرهه باشد بروشمنان اهل بیت خود
 و غون آل محمد و شهدای این است و الله اعلم
 عید و کسکس و کسکسو
 اد و ک و اریان مرصاد که زنگ
 ک و ده شود **جهت طبقه حیوانات پیش از آنکه**
 طبقه بکیر و این دعا را بنویسد و بر کرون نشان
 بند و دعا ریت لبیم الله الشافی
 لبیم الله الکافی ترکیب طبقا عن
 طبق فی المصدا لا یؤمنون **جهت طبقه**
 کوفندان بر ریت طبق بنویسد و کوفندان
 از بالای

از بالای طبقهای بکند نزد جریست است و الله شمس
 لبیم الله الرحمن الرحیم ترکیب طبقا عن طبقه
 فی المصدا من قوه و لا ناصیر **هر که خواهد جای**
رو که کس اورانه پند این حروف را نوشته با خود
دارد جریست لهو لهو لهو لهو لها لها
 لها واقم و لا و لا و لا **جهت درو نیم سر و درو**
را و غ کند جریست ما عسل یا مشطع
 النور **جهت درو سر ای شکل را بنویسد و بر**

۵	۵	۵
۲	۲	۲
۱	۱	۱
۵	۵	۵

است خود بند و **کلمه**
مهد
ک ل م ن
 درو جریست این است

بجهت محبت اگر مرد و نارسا باشد زن بر با هو چوب
 بند و اگر زن نارسا باشد مرد بر با هو چوب بند و این
 طسم را از عشق یکدیگر مطاقت کردند طسم

۲	۴	۸	۱
۶	۲	۸	۴
۸	۴	۶	۲
۴	۸	۲	۶

طسم و دود و در
 و دود
 ۴۶۴۶

نوع دیگر چینه در کمر انگشت که بخاک ترزند بهای
 چای که در دهن کند بگذارند تا هفت مرتبه بخوانند این
 دعا را شفا یابد رتبه الله کالی جر یاد ا
 بند و لی حنوت بیوک دها و لی

احمد

آه و دج ناسی نینا نینا جاء جاء فحکم
 بحق پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
 نوع دیگر از برای **نحامله** که فرزندان ویر شود
 شود این طسم را بنویسد و در پهلوی چوب بند بزند

بار خدایت **طسم اینست**
 اسم الله اعظم

۱	۶	۸
۶	۸	۱
۸		۶

از حضرت پیغمبر روایت
 که فرمودند عبدالمعز مرا
 چشم زده بود و چند روز

پیدا بودم چو بریل آمد و ای دعا را آورد و چون
 خواندم باخود نگاه داشتم چشم عبدالمعز گشود و من
 از رنج خلاص شدم هر که این دعا را بخواند نگاه دارد

جاه پیر روی کار کند و از شر مار و کرم و از جمله کرم
کان در لای خد باشد و در کتب را به شرح گرفته
باشد چون این روی را به روی خوانند خلاص شود و اگر
دیوانه خوانند همیشه بگوید و شرح این روی بسیار است
لب الله الحمد لله الی الی الی
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ
لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ
وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا بِإِلَهِكَ
هَوَاجُوزُ

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ
وَمَا خَلَقَ الدِّينَ إِلَّا لِيُكَفِّرَ
مَا جَاءَتْهُمْ الْعِلْمُ بِغِيَابِهِمْ وَمَنْ يَكْفُرْ
بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ عِبَسَ
عَمَّا بَسَّ وَتَقِيسُ وَنَافِيسُ وَشَيْطَانِ مُلَابِسِ
وَشَهَابِ ثَاقِبِ الْعَيْنِ الْعَيْنِ يَا أَرْحَمَ
الرَّحِمِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِحَقِّ كَهَيْعَتِهِ وَطَه
وَلَيْسَ وَجَعُوقُ وَبِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَمَّا
مِنْكَ يَا سَيِّدِي وَكَرَّمِي انْصُرْنِي عَلَى
أَحَدٍ يَنْصِتُهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مطهر.

الأرض والرياح يأكل السهوات والصباح

آب رسیده و زیر پای حامله بگذارند زود خالص شود و با و غذا

جهت فروشیدن ذکر و سخی شدن او کرم و سخی که خراطی
باشد پاک بشویند و در بیه خشک کنند کوفته باروغ
کاه و پاکبند باروغ یا سیمین یا میزند و کرد و کرد و کرد
بماند سخی که شود نوع دیگر پوره ارمی پنج درهم
نرم بپزند و در سل آغشته بر ذکر و ضربه و حوالی آن
بماند سخت کرد و و چمن خواهند فروشیدند آب
کش نیز بشویند آن ان العاصم را و درم و شیر
نارینه بپزند

[illegible]

عجائب الہدایہ کو مبارک
قریب بہر حق
ای نظر بہر سفا
فانت فہم دانی
المؤمن کی را

ای نظر بوسفا
قربت و محبت
عجایب و کمال کو
انگشت خود دانی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
لو اننا علمنا اننا
لنجدك في كل موضع
لما كنا لنجدك في كل موضع
لو اننا علمنا اننا
لنجدك في كل موضع
لما كنا لنجدك في كل موضع

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
مدرسة للعلماء ودار لطيفة
للمؤمنين

الاستحوا
عظمت
دون فطوب
دور میان
نقید و فطوب

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

ابليس

[illegible]

حجت که بخته این ظلم را نوشته در زیر سنگ که آن نهاده
و ترجعون

۴	۵	۶
۱	۲	۳
۷	۸	۹

اینک که کسی را خواهی از راه چربیا در بری کرد نامه را نوشته
 ایضا المتوکلین

وزیر منکران بخارند این است بدون اسم قلی



نوع دیگر از برار که شده این آیه و این روش نبوی
در رسم کرده را در میان باید نوشت و این است
الله لا اله الا هو الحی القيوم

شهد الله انه لا اله الا هو

باسم فلان ابن فلان

بسم الله الرحمن الرحيم

این

روایت است که هر که این خطبه را از برار خوافت زن و شوهر

به چهل و یکدانه کندم میراثی بخواند زن و شوهر مطیع یکدیگر شوند

جهت محبت این خطبه را به چهل و یکدانه بخواند در روز

خاصه انکس به سجد و آتش و فتن کند چنان که سوز

از بر این بند بماند عجز است به یوم مقدرش به پیر

کند و چهل یک خطبه به بر آن بخواند و در دیوار خانه ای

پنهان کند و نشسته شود این خطبه به هر نیت

بخواند روا کرد بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اسلمني واميم

ذاتي والكبيراء ردائي هو الله الذي

لا اله الا هو الحی القيوم بحق الوهيبك

بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
كَرَّمَتْهُ عَقْلُ وَهَوَشْ وَكُوشْ وَدُوسْتْ وَبَا وَبِهْدْ وَشَدَتْ
رَكْتْ وَچهار عدد و چهل چهار باره استخوان و بهشتا و بهشت
پیوند جوارح بدن جمع دشمنان را و غمزان و خودان
از امانت و ذکر و جمیع خدایان و پیش دارند ای دعا
بجرت لا اله الا الله محمد رسول الله علیا و آل الله مهمل
گردانیدم جمیع دشمنان خود غمزان و خودان را از
لانت و ذکر و جمیع خدایان و پیش دارند دعا بمرت
لا اله الا الله محمد رسول الله علیا و آل الله مهملان که
دانیدم جمیع دشمنان دارند دعا را و پیش دشمنان
و خودان و غمزان و جمیع اولاد نبی آدم و نبات حوا
و مهملان گردانیدم مهر یوسف و زینبی و مهر سلیمان
و بهشتی

و بهشتی و مهر ابراهیم و ساره و مهر موسی و صفورا و مهر
یسع و مجنون و مهر خضر و شیرین و شیرین و فرنا و و
مهر آدم و هوارا و آدم دارند ای دعا که جمیع خدایان مهملان
باشند بمرت لا اله الا الله محمد رسول الله علیا و آل الله
و بحق اتم موسی ا ح وی اث م ری اث
ش ی ن اث ک ی ر اث ط ث
ن اث ث خ ف ک ی ف د و ح اب
ط ص ن و ح اب ل اب و ح ی و ی
و ح ی و ر ث و ح ی و ش ت و ح ی
و ش ن ا ل ل ه خ ی ر ک ا ف ض ا و ه و ا ر ح ا ل ل ه
و ص ل ی ا ل ل ه ع ل ی م ح م د و ا ل ل ه الط ا ل ه ر ی ب ا ر ح ا ل ل ه

	9	
2		7
6	0	3
8	1	4

3	2	2
1	0	
2	2	2

r	v	f
	o	i
k	h	n

f	l	h
v	o	u
r		e

نصفه آنکه این شکل از چهار خانه توان کرد بصورت
نظم طبیعی جهت قوت است از خانه هفتم و بیستم تحت
ابتدا از خانه چهارم و بیستم از خارج ابتدا از خانه هفتم
و بیستم تفریق ابتدا از خانه هشتم و دهم یک شکل

اختیارات قدیمه حضرت امام جعفر صادقؑ فرماید

۱. نیکست فروغ و بیع و شری ۲. نیکست تجارت و طباط

۳ مقام و نشاید شکست بود و راه مقام

[illegible]

(Faint handwritten Persian or Urdu script)

حاجت و امورات و تسامات و تسامات و تسامات
نیز به این شیوه نیز به این شیوه نیز به این شیوه
تسویه به حدی که از آن دور است

[illegible]

وفاقیہ

نماز پیشین شمس میان دو نماز و هجده نماز دیگر عطاره
آخر روز قمر و یکشنبه اول روز شمس
نیم چاشت زهره زوال عطاره نماز پیشین فرمایان
دو نماز فعلی نماز دیگر مشتری آخر روز قمر و پنج
دوشنبه اول روز قمر نیم چاشت فعل زوال
مشتری نماز پیشین قمر میان دو نماز شمس نماز دیگر هجده
آخر روز عطاره و شنبه اول روز قمر نیم چاشت
شمس زوال و هجده نماز پیشین عطاره میان دو نماز
قمر نماز دیگر فعل آخر روز مشتری چهارشنبه
اول روز عطاره نیم چاشت قمر زوال و فصل
نماز پیشین مشتری میان دو نماز قمر و یک
شمس آخر روز زهره پنجشنبه
اول روز مشتری نیم چاشت قمر زوال شمس

نماز پیشین و هر میان دو نماز عطار و نماز دیگر مهر
آخر روز و حل جمع ه اول روز و هر نیم شب
عطار و زوال ق هر نماز پیشین و حل میان دو نماز

[illegible]

[illegible][illegible]

رزق و خوراک و نان
 جمع نه است و جمع رزق را چون هیچ
 بپوشد و جمع رزق را چون هیچ
 مکتب است و جمع رزق را چون هیچ
 ایضا جتنی در معنی است و الا نشاء الله
 و خیرین سلیمان و خیرین و خیرین و خیرین
 اذا اتوا علی فاد الخ فالت فالت فالت فالت
 لا یحکمکم سلیمان و خیرین و خیرین و خیرین
 و ایضا ایضا و خیرین و خیرین و خیرین و خیرین

در هر روز
 در هر روز و در هر روز

اما بعد عبد الله کتف و غیره گفته اند هرگاه بخوابد و تار و پودر چهره کینه یاد عابد بنویسد باید ملاقات
 دوره و آلمان دوازده برج است و این دوازده برج را هفت گویند است
 پس باید نام محقق را و مادرش را بحاجت ایضا صغیر حجاب کند اگر یک آینه مثل است
 آتش بود اگر در او آتش خفا اگر سه جوزا بادی چهار سرطان آله پنج آینه است
 آتش نشانی بود پسند خفا هفت مانند میزان است هفت مانند عقرب آینه
 مانند قوس آینه ده مانند جدی خاکست یازده مانند دلو بادی بادی دوازده
 مانند حوت آینه است پس جوزا و میزان و دلو بادی باشد و ز سرطان و عقرب
 حوت آله و زرد ثور و پسند جدی خفا و ماه و اندام و قوس آینه زرد
 بنا بر این اگر طالع حمل و جوزا باشد موافق است پسند و عقرب باشد
 موافق است جدی و حوت موافق است پس اگر طالع کس آینه باشد
 دعای محبت را روز دوشنبه و یکشنبه در رعت مری یا زهره بنویسد
 اگر طالع خفا باشد دعای محبت را رشتنه یا رشتنه یا رشتنه یا رشتنه بنویسد
 اگر طالع بادی باشد دعای محبت چهارشنبه یا رشتنه یا رشتنه یا رشتنه بنویسد
 اگر طالع آله باشد دعای محبت را جمعه یا رشتنه یا رشتنه یا رشتنه بنویسد
 اما مل عقرب متعلق است برج ثور و میزان متعلق است زهره قوس و حوت
 متعلق مری جدی و دلو متعلق است بر حمل بقا جمعه جند دعا را باید بنویسد
 محبت را در رعت خود را بان بنده در رعت خود عقد احوال و بعضی را در رعت خود
 بنده بعضی را بکینه محبت را در رشتنه عقد الدان سه رشتنه و رشتنه چهار رشتنه

لیلا الذی میزان توراد لویادی

145

اگر بخای طالب و مطلوب کدام یک غالب و کدام مغلوب
 میباشد باز آن و مردیاد و نفر که با هم نزاع دارند اسم هر دو را
 محاسبه کند و بعد از آن نه طرح کند اگر بعد از طرح عدد مرد
 زوج باقی ماند زوج کمتر غالب است بر زوج بیشتر اگر عدد هر دو طاق
 آمد طاق کمتر غالب است بر طاق بیشتر اگر یکی از عدد و نفر زوج است
 و یکی فرد هر کدام بیشتر است عددش همان غالب است اگر هر دو
 مساوی باشند در عدد اگر در زوج مساوی هستند مطلوب غالب است
 و اگر در فرد مساوی هستند طالب غالب است مثلاً محو طالب است
 عدد گرفته بود هشت تا است نه نه طرح کردیم هشت باقی ماند و
 وقاسم که مطلوب است عدد گرفته دو بیت یک نشد نه نه طرح کردیم
 نه عدد باقی ماند معنی آنکه محو غالب است چرا که یک زوج است
 و یک فرد اگر که عدد اسم محو است بعد طرح غالب است مثلاً
 صادق لا عدد گرفته عدد و پنج است نه نه طرح کردیم شش باقی ماند
 و علی لا عدد گرفته عدد ده شد نه نه طرح کردیم ده باقی ماند علی
 غالب است چرا که شش هم زوج است و ده هم زوج است اما گفته که
 زوج کم بر زوج بیش غالب است اگر زوج مستویست و فرد مستویست چه طالب
 در فرد و فرد نصرت اعداد کمتر است و در مختلف شوند ظفران کمتر
 مطلوب غالب است اگر زوج مستویست و فرد مستویست چه طالب
 طاق کم بر طاق بیش جفت کم بر جفت بیش اگر زوج جفت و طاق اگر

طاق کم بر طاق بیش جفت کم بر جفت بیش اگر زوج است و دیگر طاق اگر غایب است
 اگر بخای موافق نزاع که مستحق باشد که لا ریفن کرد ای بهر ضمیمه مملکت باشد
 بجاه شش رتبه سوره ماعون را بر قری بخواند

عدد زیاد
 ۱۸۱
 ۳

جهت احضار آن یا را در آتش لعین من ای طالب را ۳
 مرتبه باضافه عدد اسم مطلوب در ایام هفته تقسیم نموده که هر روزی
 چه قدر میشود مداومت نماید بخواند و کروز زیاد یا را در هر روز
 بخواند و قصد احضار در روز آخر نماید ان شاء الله مطلوب حاضر شود

این طریقه دیگر سوره اذا وقع رانه مرتبه بر نه قل بخواند و
 و قل نعم لا در پیشه کوه کند و پیشه مذکور لا در بالا آتش ززم نهد با اسم
 مطلوب شرط است آتش ززم به شعله باشد مطلوب حاضر شود

طریقه ختم الهی شرح از جهت بی بوی و برکت کسبه که هرگز از بول
 خالی نشود تا چهل روز هر روزی چهل مرتبه بر یک قرآن راجع یا یک روز راجع
 مثل از فی یا غیره بخواند بعد از روز چهل یکم بر شش رتبه بگرد بران قرآن
 یا بول زرد بپزد و در میان کسبه گذارد که بول دال شش
 باشد هر چند خرنج کند از همان کسبه تمام نشود و از بول خالی نشود

ایکم لک تومان سنس هزار

بسم الله الرحمن الرحيم
چهار سال است با نردم رسع الثانی شروع شد

۱۳۹
 جمع الصالحين على جميع الانبياء والمرسلين
 الحمد لله رب العالمين اللهم على يدنا وديننا وطيب قلوبنا وحسب
 التوسل مولانا مولانا محمد علي القصباني عماد آل اهل بيته الطيبين الطاهرين في هذا
 ورحمتك ارحم الراحمين احلصنا مع المناجالي عبد الحافي المصلي
 في عالم اسرار الخفياتي ربه وبالله استعينكم كفت حاضرتي از تو في فراهم جو
 بسبب عالم اسرار الخفياتي انجب حب دعائي ختم كلام مجيد رباني وديني
 دعائي كه مرشد راعي آياتي بيناتي منياتي ضحائي ختم كلام مجيد رباني وديني
 خفي حبه حاجاتي آياتي بيناتي منياتي ضحائي ختم كلام مجيد رباني وديني
 نامة الطواف شريف سجاني كه دري روم لطيف ودهشت
 شريف ملاوت فروده شد باحد هزار
 محققه وعبادت عبادت عبادت
 بركات بروج

134

مجلس

مطهر بن محمد بن ابراهيم طبرستانى

سنة ١٢٠٠

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطيبين الطاهرين
أجمعين

سنگار ہو خدو فدا ہو

بمیلاد ایامی که در شهر موم در عام ۱۰۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

نوشته بدلول فی کمال من عیال و هر فرد در صلا

بسم الله الرحمن الرحيم

2

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or name, appearing on the right side of the page.

A close-up photograph of a handwritten page from a manuscript. The paper is aged and yellowed, with some visible staining and wear. The handwriting is in a cursive script, likely from the 16th or 17th century. The ink is dark, and the letters are somewhat faded and irregular. The text is written in a single column, and the overall appearance is that of an old, well-used document.

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

الم

فان